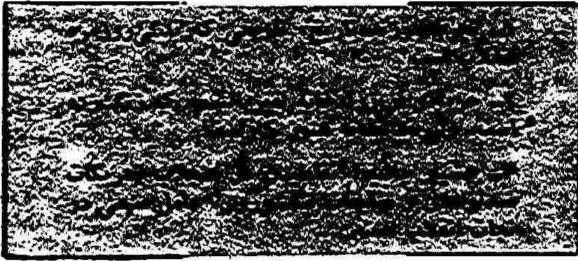


تحریکات ضد توده‌های و تبلیغات ضد شوروی زمینه‌ای است برای انجام توطئه‌های ضد انقلابی



خواست است توطئه‌ای را علیه انقلاب مبارزه انقلاب ضربه‌ای وارد آورد و انقلاب را به شکست و جمهوری اسلامی ایران را به نابودی بکشانند، همیشه و بدون استثناء، تدارکات را با حلات کور ضد توده‌ای و کارزار تبلیغاتی پرباه ضد شوروی همراه کرده است. آنچه بر سر خلق‌ها میگذرد، نباید بی‌درنگ در صفحه ۴

به تاریخ سرسبز، پنجاه ساله لازم نیست برگردیم. اگر چه آنم مشحون از درس‌های عبرت‌انگیز است. همین یکسال و نیم انقلاب هم که دیگر فراگرفتن از نقل قول‌ها و خواندن از روی کتابها نیست، کافی است تا نشان دهد که، هر بار امپریالیسم آمریکا، این سرکرده نیرو-های امپریالیستی و سازمان-دهنده عوامل ضد انقلابی،

تجاوز نظامی جزء « طبیعت سیاسی » امپریالیسم آمریکاست

چک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکائی فاش کرده است که: نظامیان آمریکا طرحی برای یک حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران برای کارتر تهیه دیده‌اند. این عملیات ظاهراً برای نجات گروگانها تنظیم شده است، اما در واقع برای تلافی شکست نظامی آمریکا در طیس و کسب حیثیت کارتر است. مقامات رسمی وزارت دفاع آمریکا پذیرفته‌اند که عملیاتی تحت نام رمز «جهش مثبت ۸۰» وجود دارد. تجاوز نظامی جزء «طبیعت سیاسی» کارتر است. چک اندرسن، روزنامه‌نگار آمریکائی

باین اعتراف، که تأیید تمام خیرهای دیگر درباره تدارک توطئه جدید بزرگ آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، مقامات مسئول کشور موقتند که هر چه زودتر و قاطع‌تر شبکه‌های توطئه‌ها را اعزاز نظامی، سیاسی و تبلیغاتی، کشف و سرکوب کنند. این خواست انقلابی مردم ایران است.

نامه
مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۰
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹، بهار ۱۶۵ ریال

دستگاه دولت را، از سطح وزرا تا پائین، با انقلابیون متعهد، کاردان و متخصص

مجهر کنیم

کارشناسان، در صورتیکه مخالف انقلاب شکوهند ایران باشند، استفاده کند. کاردانی و تخصص هرگز ملاک عدم انتخاب در جامعه انقلابی نیست. عناصر غیر انقلابی، مشکوک، ناصالح و زیانکار باید از مقامات حساس مملکتی بزرگوار شوند و بجای آنها باید از نیروهای انقلابی جوان، متعهد و کارداران، پوست و باجسارت بدون خودمحمور بینی و انحصارطلبی، بدون تک‌تک نظری گروهی، ولی با ملاک عدم تمسب به انقلاب و وفاداری به تحکیم جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. تنها از این راه است که نظام جمهوری اسلامی ایران بتواند کاردارهای انقلابی متعهد، کارداران و متخصص خود را پرورش دهد. بدون پرورش چنین کاردارهای انقلابی متعهد، کارداران و فعال در همه سطوح مدیریت، نمیتوان وظایف خطیر را که در راستای انقلاب شکوهند ایران، تحکیم و گسترش دستاوردهای آن، قطع زبانه نمود امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تأمین و تضمین استقلال و آزادی ترقی و رفاه همگانی در پیش است. با موفقیت، با حداقل زیان و حداکثر بهره پیاده کرد.

توانین و تصمیمات مجلس است و باید هدفهای انقلاب را به فعل درآورد، تنها مرکب از وزیران نیست. آنچه در این باره بسیار مهم است اینست که، استفاده از نیروهای متعهد انقلابی و گزینش افراد متعهد و در عین حال کارداران و متخصص نباید در سطح وزرا و اعضای کابینه متوقف گردد، زیرا همچنانکه نخست‌وزیر، هر قدر هم انقلابی، متعهد و کارداران باشد، به تنهایی به انجام وظایف خطیریکه بویژه در شرایط پیچیده و دشوار کنونی در مقابل جامعه انقلابی ما قرار دارد، قادر نخواهد بود. پیمان‌نویز و وزرای مربوطه، هر قدر هم انقلابی، متعهد، کارداران و فعال باشند، باز هم به تنهایی و بدون کمک افراد انقلابی شایسته، متعهد و صالح در سطوح مختلف نخواهند توانست وظایف محوله را به نحو احسن انجام دهند. توانین محسوب را اجرا کنند و به هدفهای تعیین شده برسند. بطوریکه تجربه زندگی و مبارزه روزانه نشان میدهد، پاکسازی چندی بویادی دستگاه دولتی، که به ارت از رژیم طاغوتی باقی مانده است، و نوسازی آن هنوز هم کاملاً مبرم و ضروری است. نظام متحول جمهوری اسلامی ایران بپیچیده نمیتواند و نباید از بهترین متخصصین و صاحب‌بنام‌ترین

این روزها که آقای رجائی نخست‌وزیر، به بررسی ترکیب هیئت دولت و تشکیل نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران همت گماشته‌اند، بسیاری از مقامات مسئول مملکتی، مردم عادی، سیاستمداران و دیگران نظر خود را پیرامون چگونگی هیئت دولت، برنامه آن و وزرای کابینه اظهار میدارند. واضح است که دولت جمهوری اسلامی ایران در جمع خود و در سیاست عمومی خود، و هر یک از وزرای آن به تنهایی و در بخش مربوط به خود، بیش از هر چیز باید عمیقاً به اهداف انقلاب ایران متعهد و متمسب باشند. این نخستین شرط اساسی و ضروری جهت انتخاب هر یک از وزرای یک دولت انقلابی است. در عین حال باید انان دانشت که در جامعه متحول کنونی ایران، افراد انقلابی متعهد و متمسب بیشک کم نیستند. لذا باید بین اینگونه انقلابیون متعهد و متمسب، از لحاظ کاردانی و تخصص، انرژی و نیروی فعال جوانی (چنانکه بهر انقلاب، امام خمینی هم اشاره کرده‌اند) شایسته‌ترین آنها را برگزید. و ظاهراً در این زمینه است که آقای رجائی نخست‌وزیر، تاکنون متحول بررسی، مشورت و مصلحت‌اندیشی است. ولی البته دستگاه دولتی، که مجری

امپریالیسم آمریکا با تشدید مسابقه تسلیحاتی و احیاء جنگ سرد، بشریت را با خطر جدی روبرو ساخته است

و گسترش همه انواع تیرهای مسلح و در نوبت اول تیرهای هسته‌ای استراتژیکی را در نظر دارد. او بازم ادعاهای ناحق درباره سرکردگی آمریکا در جهان امروز را تکرار و تأکید کرد و تقریباً همه‌جانبه منطقه منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا اعلام نمود. بدین ترتیب کاملاً آشکار شد که برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا، سمت گسترش و تشدید مسابقه تسلیحاتی را پیش گرفته است. آنموقع مفسرین آمریکائی متذکر شدند که سخنرانی وزیر دفاع با تبلیغات انتخاباتی رئیس جمهور ارتباط داشته است. زیرا سرمدار پنتاگون، آقای براون، در تعلق خود پشت نظریات نظامی - سیاسی برنامه انتخاباتی حزب جمهوریخواه را مورد انتقاد قرار داده بود. در برنامه حزب جمهوریخواه کسب برتری نظامی آمریکا نسبت به شوروی اعلام شده است و در این ارتباط هارولد براون اعلام کرد که این ادعاها «غیر واقعی» ساده‌لوحانه و خطرناکند. اما در واقع اظهارات بقیه در صفحه ۴

ویران گردد. نظامیان آمریکا برای استفاده از دو گونه اسلحه جدید، یعنی موشکهای استراتژیک سریع‌العمل «ام. ایکس» و موشکهای بالدارچیز به میکانهای هسته‌ای نیرومند، اهمیت ویژه‌ای قائلند. مطبوعات آمریکا و دیگر کشورها اطلاع دادند که رهبری نظامی و سیاسی آمریکا همواره به تهیه طرح‌هایی متحول بوده‌اند که هدفش پیشدستی در وارد کردن ضربه هسته‌ای به اتحاد شوروی بودیکر کشورهای سوسیالیستی است. این طرح جنگ هسته‌ای آمریکا، که وزیر دفاع آن کشور نیز اعلام داشته است، در حقیقت بخشی از برنامه کلی نظامی است که امپریالیسم تجاوزکار و سلطه‌گر آمریکا دنبال میکند. در حدود دو هفته پیش در شهر اوکلند، از استان کالیفرنیا، همین آقای هارولد براون سخنرانی ایراد کرد. که طی آن در واقع برنامه کلی نظامی دولت کنونی آمریکا را توضیح داد. او گفت: «از لحاظ یک دولت بر قدرت احتیاجات ما در قسمت دفاع نظامی جبهه جهانی داریم. او متذکر شد که نقشه‌های نظامی آمریکا تحکیم

مطبوعات آمریکا و رسانه‌های گروهی جهان اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا را درباره نقشه‌های جنگی هسته‌ای آمریکا منتشر کردند. گرچه وزیر خارجه آمریکا، اموند ماسکی، قورا از این طرح‌ها اظهار برائت کرد و رئیس‌جمهور جیمی کارتر هم گفت که گویا از طریق روزنامه‌ها از وجود این نقشه‌ها آگاه شده است، مخالفت دیده میشود که سرمداران متعهد هیئت کلاب نظامی - صنعتی آمریکا، که پیروزی بردری جنبش‌های رهاکنش ضد امپریالیستی خلق‌ها در دوران تنش‌زدائی را دیده‌اند، سخت پیرامی افتاده و در صدد ایجاد تشنج و وخامت در اوضاع بین‌المللی برآمده‌اند. گزارشی خبرگزاری فرانسیس از واشنگتن حاکی از آنست که این اواخر کارتر رئیس‌جمهور آمریکا خود رهنمود تازه‌ای را درباره آمجاها تیکه در خاک شوروی باید مورد ضربه هسته‌ای آمریکا قرار گیرد، امضا کرده‌است. بقرار امضای در این رهنمود از نقشه‌های قبلی آمریکا صرف‌نظر نشده است. در این نقشه‌ها در نظر گرفته شده‌است که اگر ضربه هسته‌ای به آمجاها نظامی و صنعتی بعد کافی موثر واقع نشود، ۲۰۰ شهر شوروی باید

بدون تفسیر

در باره چین

تفسیرنامه: ما باید روابط خود را با چین خیلی وسیعتر و بهتر کنیم، زیرا در خیلی از جهات ما با چین در رابطه هستیم و چیزهای زیادی را می‌توانیم از آنها یاد بگیریم... (اطلاعات ۹ تیر ۵۹) سرمایه «جمهوری اسلامی»: چین دیگر امروز خود را به شکل سرلی برای نفوذ امپریالیسم در منطقه در آورده است و از دیدار ما نگاه طعمه‌جویانه‌ای به هندوستان می‌نگریسته است. چین امروز میخواهد ارتش خود را به سلاحهای امپریالیسم مجهز کند. (۲۶ مرداد ۵۹)

در باره پاکستان

تفسیرنامه: اعتقاد ندارم پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست... (کیهان ۴ تیر ۵۹) امام خمینی: مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است... پاکستان مگر از مشکلات مسلمین نیست؟ (اطلاعات ۱۹ مرداد ۵۹) جبهه اسلام احسان بخش (نماینده امام جهت بررسی وضع سفارتخانه‌های ایران در پاکستان و هند): «بدون هیچ تردیدی پاکستان وابسته به آمریکاست... (نامه مردم - نقل از روزنامه جنگل - ۱۶ مرداد ۵۹) احمد ملانژاد نماینده گناباد: «راستی ما تا امروز سیاست قطب‌زاد را تقبیل می‌دیم، اگر واقعا از اسلام دفاع میکند، پس چرا در پاکستان از شیاعالحق جانبداری کرده حرف‌های او در کنفرانس اسلام آباد بنظم دفاع از امپریالیسم بود تا از مسلمانان...» (کیهان ۲۱ تیر ۵۹) نهفت انقلاب اسلامی پاکستان: سفارت پاکستان در تهران وظیفه لانه جاسوسی آمریکا را انجام میدهد. امپریالیسم جهان‌نواز آمریکاست... امروزه با از دست دادن ایران نمیتوان حامی امپریالیسم... و برای برگردن خلاء ایران و سرکوب مسلمانان میخواهد شیاعالحق را چنانستین «شاه سازد و آقا شاهی را بجای «ارتشیر زاهدی» مامور فعالیت‌های تبلیغی و محرمانه خود در منطقه نماید...» (نامه مردم ۲۶ تیر ۵۹)

حفظ جان رهبران انقلاب و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی یک وظیفه مبرم و ضرور است

حادثه سقوط هلی‌کوپتر آقای پنی صدر رئیس‌جمهور خوشبختانه بختی گذشت و ما از سلامتی ایشان صمیمانه خرسندیم. ولی این حادثه از یکسو، و خبرهایی که از نقشه ضد انقلاب برای نابودی و ترور رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی میرسد، از سوی دیگر، بار دیگری مسئله حفظ جان رهبران انقلاب، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و شخصیتهای انقلابی مذهبی و سیاسی را، بعنوان یک وظیفه مبرم و ضرور، در دستور کار ارگانه‌های امنیتی و انتظامی قرار میدهد. ما امیدواریم و انتظار داریم که هشدارهای مکرر ما در این زمینه، و همچنین حوادثی که تاکنون روی داده، مورد توجه فوری و جدی مسئولین امر قرار گیرد. باید قبل از آنکه فاجعه‌ای پیش‌آید، تدابیر فوری، جدی و اساسی اتخاذ کرد.

باید با دشمنان و مروجان این توطئه‌ها مبارزه کنیم! مبارزه کنیم!

امپریالیسم امریکا...

پنجه از صفحه ۱

هارولد براون و رفیق بدی خود او در جهت عکس این انتقادات او بود.

برنامه‌های نظامی دولت آمریکا، که اعلام کرده‌است، همچنین سستی که کاخ سفید برای گسترش و تعدید سابقه تسلیحاتی ویش گرفته است، حاکی از آنستکه دولت کارتر هرچه از دستش برمیآید، برای تغییر دادن توازن نیروها در سحنه جهانی بین آمریکا و اتحاد شوروی بعمل میآورد. تا بتری نظامی برای خود بدست آورد. در این ارتباط کافی است متذکر شویم که دولت آمریکا در سال مالی آتی (۱۹۸۱) مبلغ بیست و یک میلیارد دلار برای هزینه نظامی در نظر گرفته‌است.

تدارکات نظامی که واشنگتن در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس می‌بیند، بخش‌ویژه‌ای از این مسابقه تسلیحاتی است. اظهارات وزیر دفاع آمریکا درباره اینکه در پنجساله آتی برای نیروهای مسلح امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سالانه یک میلیارد دلار هزینه در نظر گرفته شده‌است، حاکی از وجود نقشه‌های بدقت طرح‌ریزی شده و درازمدت جهت تجاوز به حقوق خلیج و تحمیل سلطه امپریالیسم، برکردگی امپریالیسم آمریکا در نقاط مختلف جهانست. این اصل درازمدت بودن در همه‌امعایه که دولت کارتر برای تعدید و رخامت در منطقه وسیعی از سواحل شرقی آفریقا تا سواحل استرالیا انجام میدهد، بیستم میخورد. معاون وزیر دفاع آمریکا، کلیتوره اعلام داشت که از این پس بیاد نظام دریایی آمریکا، که جزء نیروهای واکنش سریع هستند، بطور دائمی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس موضع خواهند گرفت.

واشنگتن برای درازمدت و یادقت خاصی مشغول بررسی است که، پایگاه‌های جدید نظامی را بهتر است در کجا بنا کند: در مصر یا در

سومالی، در عمان یا در کتیا. عبارت دیگر، امپریالیسم آمریکا، که بویژه در ربع قرن اخیر ضریات شدیدی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی چپیده و بسیاری از اصطلاح رژیم‌های با ثبات دست‌نشانده خود، نظیر رژیم طاغوت شاه سابق را از دست داده است، اکنون سخت مشغول بررسی این نکته است که در کجا میتوان شانس بیشتری در مورد «قیامت» رژیم‌های موجود داشت، که منافع حیاتی اکثریت قریب‌اتفاق کشورهای حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس را زیر پا میگذارد.

مطبوعات ایران، هر روز اخبار زیادی درباره گسترش نیروهای نظامی آمریکا، که متوجه به نواحی نفت‌خیز خلیج فارس هستند، درج میکنند. چندی پیش یک گردان ۱۸۰۰ نفری بیاد نظام دریایی آمریکا، ه فروند ناو سرباز از جمله یک ناو هلیکوپتر بنام «هاکودال کانال» وارد دریای عمان گردید. این اقدامات اخیر همه بخشی از تدارکات وسیعی است که امپریالیسم، بر سر گرد می‌آورد. امپریالیسم علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن دوده است.

اما تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا باین منطقه محدود نیستند. قداره‌مندان آمریکایی به توسعه پایگاه نظامی جزیره دیگو گارسیا پرداخته، فرودگاه‌های آنرا برای هواپیماهای حمل و نقل سنگین و بمبافکن‌های B۵۲ و بنا در اسکله‌های آن جزیره را برای کنار گرفتن ناوهای بزرگ تجدید سازمان میدهند.

در این اواخر با اصطلاح باز دیده‌های ناوهای جنگی آمریکا از بنادر سنگاپور و تایلند بیشتر شده است. ناوگان هفتم و واحدهای بیاد نظام دریایی آمریکا مانورهای گسترده‌ی بیاد کردن نیرو در جزیره‌های آنرا اجرا کردند. بطوریکه روزنامه‌های ژاپن نوشتند، در این مانورها چنان عملیات نظامی تمرین میشد که هیچ‌کس نمیتوانست ارتباطی با «دفاع ژاپن» داشته باشد.

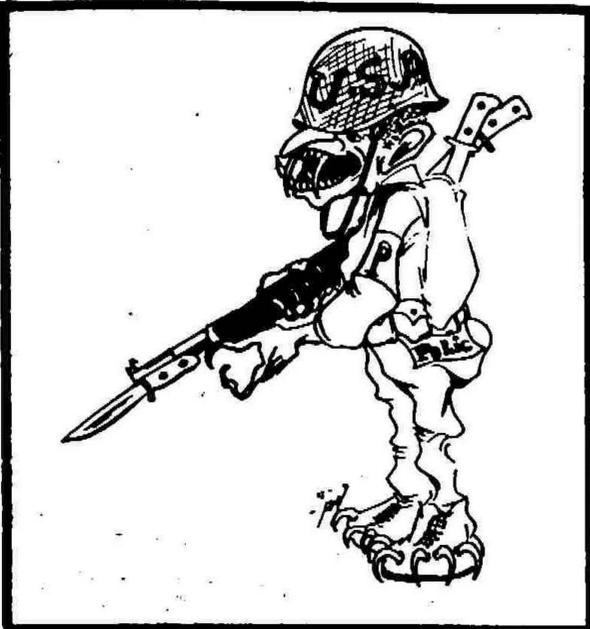
امریکا به بیانه «دفاع در مقابل خطر ویتنام»

توجه!

مقالات زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

۱- انتظار مردم و نیروهای راستین

۲- طرح توطئه کارتر - برژنفسکی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چگونه بیاد میشود (شماره ۳۰۶)



سپاه جنگ جهانی اخیر و کشف اسلحه اتمی، این اولین بار نیست که امپریالیسم جهانخواه آمریکا همه تلاشیهای خود را بکار برده است تا جهان را به لب پرتگاه جنگ نابودکننده هسته‌ای بکشاند. اما هر بار نیز در مقابل عزم راسخ میلیونها مردم زحمتکش، سلحدوست و ترقی‌خواه جهان، نقشه‌های جنایت‌بار امپریالیسم آمریکا تقطیر آب شده است.

اکنون نسل معاصر در دورانی از تاریخ بشر زندگی میکند که تناسب قوا در سحنه جهانی به نفع نیروهای صلح، سوسیالیسم، ترقی و رفاه همگانی تقصیر کرده‌است. هرگونه تلاش امپریالیسم آمریکا در جهت تعدید سابقه تسلیحاتی و برهم زدن توازن نیروها در جهان بیش از پیش به زیان آن خواهد بود. ولی در عین حال این سیاست سرنوست بشریت را نیز بخطر می‌اندازد. از ایترو نیز هر قتل‌سلیبی، هوادار جدی تنش‌زدایی و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی است، زیرا سیاست تنش‌زدایی و قطع مسابقه تسلیحاتی، یگانه سیاستی است که میتواند بشر را از خطر نیستی در یک جنگ هسته‌ای نجات بخشد.

در پندار امام خمینی، کالاهای بلا استفاده مانده‌اند

در حالی که حدود ۷۰۰ کانتینر، متعلق به شرکت کشتیرانی اسرائیلی، در بند امام خمینی بلا استفاده مانده است متولین دولتی ۴۰۰ کانتینر از کشتور آلمان غربی وارد کرده‌اند که روزانه برای هر کدام باید ۵ دلار گزافه پرداخت شود.

بر اساس اطلاع رسیده، در ترمینال فرسین ولقه واقع در بند امام خمینی، حدود ۷۰۰ کانتینر، که متعلق به شرکت کشتیرانی زیر اسرائیلی بوده بلا استفاده مانده است. صاحبان این کانتینرها، به علت کرایه زیادی که برای اقامت آنها در بند باید بپردازند، آنها را رها کرده و رفته‌اند.

دوی این کانتینرها علامت کشور اسرائیل ترسیم شده است که بر ارضی میتوان با هزینه کمی علامت آنها را پاک کرد و آدم جمهوری اسلامی را روی آنها ترسیم کرد و در اختیار شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی قرار داد. باتوجه به حملات کشتور آلمان غربی وارد کرده‌اند که روزانه برای هر کدام باید ۵ دلار گزافه پرداخت شود. امکان پذیر است، متولین دولتی ۲۰۰ کانتینر از کشور آلمان غربی کرایه کرده‌اند که روزانه برای هر کدام ۵ دلار کرایه باید پرداخت شود. با وجود نیازی که به کانتینرها است، جای تعجب است که مقامات جمهوری اسلامی چرا کانتینرهای موجود در بند امام خمینی را مسافره نکرده‌اند.

شوم شدن انقلاب را عملی میکنند در سایر شهرها، رفقای هوادار حزب را مغرور و مجروح گامزندان کرده‌اند.

در این میان ناگهان «نامه تعدید - الملحن» وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران هم، بر اساس دروغ، افترا و توهین به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، منتشر میشود. جو مورد تمایل کارتر - برژنفسکی اصلا پنهان کردن نیست.

این زمینه‌چینی برای چه صورت میگردد؟ کدام توطئه در شرف وقوع است؟ با کدام مرحله از توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا روبرو هستیم، که این روزها بازم شاهد تعدید تحریکات ضدتوده‌های و تبلیغات ضد شوروی هستیم؟

اینها متوالانی است مربوط به سرنویت انقلاب ما و سرنوست جمهوری اسلامی ایران. بنظر ما شعله‌ور شدن مجدد این تحریکات و تبلیغات تشنه آن است که در آستانه توطئه تعدید آمریکایی قرار داریم، و تکوین این توطئه مورد تایید مقامات رسمی و مشول و صدیق جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است. پس بیوش باشیم! تجربه نهضت استقلال‌طلبانه خود ایران در نیم قرن و ربع قرن اخیر، لاقل از همین تجربه یکساله و نیمه پس از پیروزی انقلاب پند بگیریم. تاریخ میآموزد، اگر ما بیاموزیم، تاریخ معاصر دیگر روشن‌تر و دقیقتر از این نمیتواند بیاموزد. آیا ما خواهیم آموخت؟

توضیح

فردی بنام علیرضا زاوی، در روزنامه «انقلاب اسلامی» مورخ ۲۵ مردادماه، اعلام کرده است که صاحب عکسی است که در خانه مردم مورخ اول مردادماه به چاپ رسیده است. وی همچنین افزوده است که آنگاه نیست.

را نخواهند دید، اما آن توطئه هم خوشبختانه نکرقت.

۴- اوائل تابستان شد، آمریکا دیگر هیچ‌کس نمیتواند تداوم موجودیت انقلاب ایران را تحمل کند. شکست تجاوز طیس، شروع مرحله تازمان از توطئه بود. توطئه‌ای که قرار شد ۱۸ تیر، از پایگاه نوزده همدان آغاز شود، و حتی اگر شده به قیمت کشتار میلیونها ایرانی، انقلاب را بکشد. از اوسیه تا بختیار، از ماوتیست‌ها تا لیرالیا، همه آماده شده‌بودند، و در تدارک این توطئه، باز موج تازه تحریکات ضدتوده‌های و تبلیغات ضد شوروی بلند شد. این بار دیگر مراکز حزبی و دفاتر نامه «مردم» هم تاراج میرفت، و بیانه‌های بکلی بوج، باز دیگر دروغها و رتمت‌ها بر سر حزب ما باریدن گرفت.

تحریکات بر پایه ضد شوروی هم در محیط ایران، با همان ضد دیان حمایت‌سیاسی، و مطابق با فرموده برژنفسکی، به جو غالب تبدیل شد. نیمه اول تیرماه رایباد آورد که تا سرحد حمله به سفارت شوروی و تهدید به اشغال آن کشانیده‌شد، و آنگاه روز ۱۸ تیر را نیز بیاد آورد و شبکه وسیع نظامی کشف شده و شبکه بزرگ سیاسی کشف شده آن را! این جز و آن زمینه سازی، مقدمه و پیش‌درآمدی بود برای انجام توطئه کودتائی!

۵- اینک ما تمیم و جو تازه شد - توده‌های و ضد شوروی، روزنامه‌ها را بخوانید، در کمتر شهری است که دفاتر حزب و نامه «مردم» دست - نخورده باقی مانده باشد. در همه‌جا تخریب و آتش‌سوزی و اشغال است، علیرغم رای مقامات صاحب‌مسئولیت، برخلاف اطلاعیه‌های دادستان کل کشور، منافی با نظریات اعلان شده رهبران سیاسی‌ممبر، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب، در اشغال‌مناسر غیر مشول و «اشخاص متفرقه» است، که بگفته دادستان کل کشور، نیت

همه زمینه‌های سیاسی و دیپلماتیک اقتصادی دوستانه‌ترین روشها از جانب اتحاد شوروی نسبت به ایران اتخاذ شده بود، و حملات تعدید علیه حزب توده ایران، و این بار با وسعت فراوان در رادیو و تلویزیون و با مشارکت فعال ماوتیست‌ها سازمان داده‌شد. گوئی خطل از اینجاست!

برای آنکه فعالیت کمیسیون سازمان ملل متحد برای حل مسئله «گروگانها» بیستم نیاید، حضور لشکر شوروی در ۳۰ کیلومتری مرز بلوچستان! علم شد، برای آنکه تدارکات عملی ضدانقلاب دیسده نشود، با حرکات مذبح‌جوانه و تلفن‌های شبانه و حمل اخبار بصورت نقل و انتقال بانامهای شاه سابق خاک به چشم مردم پاشیده شد و فحاشی به حزب توده ایران توسط محافظ و افراد معین اوج گرفت.

باز هم همان زمینه چینی برای مرحله دیگری از توطئه کنار آمدن با آمریکا یا رفتن زیر بار سلطه آمریکا. ۳- اواسط بهار امسال بود، آمریکا دیگر دست‌پايش خوانده شده و دسایران، با همه شیطان بودتش، نقش بر آب شد. خلا مرحله بکلی تازمان از ایران‌اندازی تدارک میشد، پایگاه‌ها و فرودگاه‌های مصر و بحرین و پاکستان و عمان آماده میشدند، در خطای کامل، تجاوز نظامی آمریکا تدارک میشد، و جو مورد نظر آمریکا، البته «ایجاد سوغتن و عدم اعتماد و پایان حمایت سیاسی» بود.

علیرغم وقوی اتحاد شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد تحریم اقتصادی آمریکا، که آشکارا پشتیبانی اتحاد شوروی را از انقلاب ایران نشان میداد، سیل دروغ و بهتان ضد شوروی بچریان افتاد، در صفحات جراید و رادیوها صحبت از حزب توده ایران بیان آمد، صحبتی که، مانند دو نیمه از يك سیب گندیده، به صحبت‌های ساراك و دستگاه تبلیغاتی شامسابق شباهت داشت.

آری، سرها را گرم میکردند، زمینه‌چینی میشد، و ناگهان خبریاده کردن نیرو در کویر کنار طیس و گذشتن از رادارها رسید. دشمن کپزانتست که وقتی آن هیستری کور دامن زده شود، رادارهای دشمن یاب البته هواپیماهای آمریکایی تجاوزگر

زردیگر میشود، فعالیت‌های تبالود و کف بر لب آورده این عناصر شدیدیتر میگردد.

به واقعیات بنگریم:

۱- پارسال تابستان بود، امپریالیسم آمریکا، با امید فراوانی که به وجود و حضور کارگزاران خود در دولت موقت داشت، زمانی که هنوز امیرانتظامی معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت انقلاب، مقدم مرافعه‌ای غایبانه مجلس خبرگان و استندار و تزییها رئیس‌شرکت ملی نفت ایران، و ... بودند، هنگامیکه امیدوار بود از درون انقلاب را بیوساند و آنرا «برسر عقل» آورد و به «همکاری» مجدد، یعنی وابستگی اسارت‌نوار بکشاند، توطئه بزرگ سازش با آمریکا، «حمل و فصل مسائل موجود و سوغت‌فهمانه» و ملاقات با برژنفسکی تدارک میشد، زمینه‌چینی این توطئه بزرگ حدود دو ماه طول کشید. در این مدت، به ناگاه موج عظیم تبلیغات تحریکات ضدتوده‌های و ضد شوروی برای افتاد و حملات یگانه بی‌پایه از جانب عناصری، که برخیز آنها بمدها شناخته و طرد و زندانی شدند و برخی دیگر بکناری نهاده شده‌اند، صورت گرفت. از انکار قانونیت حزب توده ایران شروع کردنفوکار راه‌تعلیل‌دتر نامه «مردم» و بیروبرخانه کمیته مرکزی حزب ما در پایان مرداد پارسال کشاندهند. اسلحه زنگ‌زده ولی هنوز متاسفانه کارای ضدتوده‌های و ضد شوروی بصدا درآمد، تبلیغات زمان شاه سابق تکرار شد و در پشت پرده، دود، ساخت و یاخنت با آمریکا ملاقات با برژنفسکی تدارک دیدند. خوشبختانه درایت و قاطعیت امام، بیداری مردم و فداکاری دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مجال تدارک گلوی شیطان بزرگ را گرفت و توطئه عقیم ماند.

۲- اواخر سال گذشته و اوایل سال جاری بود، هنوز آمریکا امینواری خود را به خرابکاری و به صلح‌گرده‌مال بالامقام خویش از دست نداده بود، توطئه جدید برای گرفتن گام به گام «گروگانها» و حل مسئله روابط و ایجاد تقاضا (۱) با آمریکا، همراه با انتقال شاه سابق به آمریکا در دست اجرا بود. زمینه‌چینی آنرا هم حتما فراموش نکرده‌ایم. بیستابته‌ترین حملات ضد شوروی، در حالیکه در

بهره‌گیری دشمن ما از تجربیات خویش است.

در سلسله مقالات نامه «مردم»، پیرامون «کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم»، نشانده‌هایی از همین شیوه عمل ضد کمونیستی و ضدتوده‌ای و ضد شوروی‌ها، که همواره پیشکام توطئه‌ها و ماجراهای امپریالیسی بوده، خوانده‌اید. ولی همانطور که گفتیم، همین تجربه بسیار غنی یگسال و نیم پر از حوادث انقلابی که بر میهن ما گذشته، کافی است که ثابت کند تحریکات ضد - توده‌های و تبلیغات ضد شوروی، منجلا بی است که عمال امپریالیسم بعد و با توسل به هزار شکر در برابر، انقلاب می‌آفرینند، تا با فرود، انقلاب ما ناتوان شود.

از این رو، نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی جهان جدا بیقده، «جو سوء ظن و عدم اطمینان و پایان حمایت سیاسی» بفرموده برژنفسکی، حاکم شود، و آنوقت عناصر دیگر ضدانقلابی ب میدان هاوردی رودر رو بیایند و کار را یکسر کنند.

تجربه ثابت میکند که در ایران انقلابی، متاسفانه مظرفیاتی‌های امروزی، مسلمان‌ها و انقلابی‌ها، ولی نامنز استخوان طاغوتی و ضدانقلابی و ضد مردمی کم نیستند، و هم‌چنین کم نیستند امیرانتظامی‌ها هنوز افسانه شده و در افروین، جانگرفته‌ای که میکوشند چنین تحریکات تبلیغاتی را دامن بزنند و بر سر راه انقلاب، منجلا بی بکسارند. آنان بدون چون و چرا دستورهای برژنفسکی را بیاد میکنند، برای اقدامات براندازی زمینه‌چینی میکنند، از تکرار اتهامات زنگ‌زده و بسیار کهنه‌شده و بی مایه ابایی ندارند، از خون سرخ صدها شهید توده‌های و از جمع صدها صد سال زندانی که توده‌ایا - در کنار و بهرهم سایر نیروهای انقلابی و منجمله بسیاری از روحانیون مبارز برخی از آنها بار سنگین مسئولیت انقلاب را بدوش میکنند، حیانه -

کنند آنها نامه محرمانه برژنفسکی و ماده مربوط به ایجاد زمینه را اجرا میکنند، و هر قدر حملات امپریالیسم آمریکا تعدید می‌شود، هر قدر زمان وقوع توطئه و اجرای مرحله‌ای از نقشه استراتژیک صوموی براندازی آمریکا علیه انقلاب ما

بهره‌گیری دشمن ما از تجربیات خویش است.

بهره‌گیری دشمن ما از تجربیات خویش است.

بهره‌گیری دشمن ما از تجربیات خویش است.

تحریکات ضد ...

پنجه از صفحه ۱

بهدر رود. مردم انقلابی سق‌نندارند به تجربیات خودشان بر اعنا باشند و از روی داده‌ها پند نگیرند. انقلاب ما بیش از آن به امپریالیسم ضریات هولناک وارد کرده و منافع آن‌چنان مطمیرا از انحصارات جهانخواه اسلحه فروش و فتیر و کالافروش و ثروت‌بر بیخطارمه جدی افکنده است، که بتوان بر روی دستاوردهای انقلابی به راحتی نخود و از بیات توطئه‌های براندازی آسوده خیال ماند. ما باید حالا و سالها گوش‌بزننگ باشیم، دانش مترسد باشیم که از چه راه، چگونه، چه وقت و به دست چه کسانی امپریالیسم توطئه دیگری را علیه انقلاب ما، از برون و درون، از راه سیاست یا اقتصاد، از طریق مداخله یا خرابکاری، بنسنت اشخاص شناخته شده یا عمال انقلابی‌ها، سازمان خواهد داد.

برای هر توطئه‌ای، دشمن مکار و غدار، ما همواره زمینه‌چینی‌هایی می‌کند، یعنی تدارک لازم را می‌بیند و جو مورد نظر را بوجود میآورد و محیط مساعد را ایجاد میکند، و بر این زمینه، شکل ویژه توطئه خود را بیاد میکند. تجربه همین‌طور سال اخیر نشان میدهد - و خلق انقلابی‌ها و رهبران صدیق آن باید این تجربه را با احساس مسئولیت و بدون بیادآوری بهینه - که یکی از عناصر مهم هر زمینه‌چینی توطئه عبارت بوده‌است از تعدید تحریکات ضد توده‌های و تعدید تبلیغات ضد شوروی.

آنها که سالتدترند، میدانند که در گذشته نیز همواره این عنصر پایدار و شیوه دائمی زمینه‌چینی توطئه‌های امپریالیستی بوده‌توسط سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا، اینتلینجس سرویس و کنتراپوهرتلی، توسط نظمی رضاخانی و ساواک محمد رضاخانی-هموارم مورد استفاده قرار گرفته است.

ایجاد این جو، یکی از نکات اساسی دستورالعمل برژنفسکی از جانب کارتر رئیس‌جمهور آمریکا به وزارت خارجه این کشور است. کملی نامه محرمانه‌ای که یگسال پیش منتشر شد، که خود تداوم همان سیاست و شیوه قبلی امپریالیسم و

عربیه مرداد

پیش ملی شدن نفت ایران

با دقت تمام انجام شد و فقط یک مواز

زیر بیان می کند:

که خیال دارم فراموشی بکنم. شاه آقايان علا و فرستادن. من هم سه نفر از نمایندگان دولت به عنوان شاهد حضور داشته باشم. به شاهد شاه انبوی بکنم مردم را از جریانات کشور مستحضر که والا حضرت اشرف پهلوی وقتی اینجا بودند من کردند و علیاحضرت ملکه مادر چه موافق من همچنین قضایای بخیر را می گویم.

مرت همایی اظهار تمایل به مسافرت کردند. من هم قرار شد صبح روز پنجشنبه حرکت کنم. بعد شبانه حرکت می کنند. قرار صبح زود بود. بعد به

مسافرت دهه اردیبهشت آماده کردم. ۹ هزار دلار حواله هزار دلار نقد. این پول را به آقای علا دادم. دستور های مسافرت را بیاوردن پیش خودم. من با دست به پاسپورتها چسباندم و مهر کردم. به دربار

بودم که نیروهای انتظامی مشر ایشان را تقویت در منزل شاه با منزل من جمع شود. ۶۲

بر این بود هیچ کسی از جریان باخبر نشود. که به عنوان شاهد حضور داشته و از جریان بود که به کسی نگویند. ولی از پشت سر و لب خیر داشته باشند خبر داده شد و تعداد جبر شدند تا صبح شبانه در محل حاضر باشند. وقایع را به شرح زیر نوشت:

صبح... خبر مسافرت شاهنشاه و شایسته استعاضی یافت رسید. بلافاصله خواسته بازار را تعطیل کنند. تا کابین تعطیل شد. به منزل آیت الله بهبهانی رفتند و در برابر ورود و مانع حرکت شاهنشاه بشوند.

با عدای بلند گریه می کردند. آیت الله را به روی جگر کردند... عدای در بازار فریاد می زدند بچینی... در نزدیکی کاخ مرمرینان تظاهرات می کردند. من و مردم می گفتند: «غیرت کجاست! حقیقت ردمت رفت.» یکی از مظاهرین که لباس سیویلین انتظامی جلوش را گرفته سرودش هایش را

می شناسی. من افسرم. وطن از دست رفت. ۶۸
بود که مصدق در دربار به دام اندازند و

یکی از افسران توده ای به کمک مصدق توده ای گارد جاویدان که نمی توانست (از کند به طور غیرمستقیم مصدق را نجات داد. برامون این روز می نویسد:

توجه به کاخ سلطنتی، تعدادی از امرا و افسران بازنشسته شاهنشاهی، عزیز امیررجایی، خسروانی و... به دستور گرد آمدند. حدود ۶۰ نفر از اعضای حزب آریا بهر جمع شدند، ملکه اعتضادی به جمع آنها کاخ سلطنتی... خبر رسید که می خواهند هنگام

حل می گشت به آقای پیرزای رئیس تشریفات دربار می نشان می داد مرایجه کردم. خطر را متذکر شدم و کتر مصدق از کاخ اختصاصی به کاخ شهن پهلوی بود رفه از آنجا به منزلش برود. پیشنهاد قبول شد. سر صادقی (رئیس متصرف شاه) دکتر مصدق را تا سر شایسته کردیم. ۶۹

راهی نجات داده شد او باش و افسران راهی منزل را شکستند، تا جایی که مصدق بن قاضی (زندگیاد همواره در مواقع سخت به خانه همسایه فرار کند و از آن جا خود را به آن تا دیروقت شب در خیابانها حاکم بودند.

باز به نوبت... مسئله سرنیزه و تداق تنگ به مردم حمله می کردند و از پاره می نمودند... ظهر سرتاسر میدان بهارستان را بازار اشغال نمودند... افسران بازنشسته با لباس آن را تحریک می کردند. پس از حمله به منزل ی او باش... دستجات متظاهر که به منزل مصدق

ندماه ۱۳۳۱
شده ۱۳۳۱
سرگرد خیرخواه

حمله کرده بودند به خیابانهای شهر روی آورده و با چوب و چاق به مخازنهای سر راه حمله می کردند. اکثر خیابانهای یوسف آباد و اسلامی و لاله زار و شاه آباد بسته و مساجد آنجا در مقابل مخازنهای خود ناظر بر اوضاع بودند. هر جا به طرفداری از مصدق تظاهری می شد مأمورین انتظامی و افسران بازنشسته می گشتند بزینجا! بکشید. نیروهای انتظامی، «آوارگان» «افسران بازنشسته» «باشگاه تاج» تظاهرات می کردند و از در دیوار مجلس بالا می رفتند. در خیابانها صلی افسران شیشه می شد که رادیو را بگیرد... مهم است. ۷۰

چند سال بعد عمیدی نوری از مؤسسين جبهه ملی که به دشمن پیوسته بود و معاون سیاسی سر لشکر زاهدی شد ضمن خاطرات خود نوشت:

«اگر در نهم اسفند مردم رادیو را تصرف می کردند کاره ۲۸ مرداد نمی رسید و همان روز موضوع خاتمه می یافت. ۷۱»
در این گفته حقیقتی نهفته است. نیروهای مسلح تا آن حد خارج از اختیار نخست وزیر بودند که حتی نمی خواستند جلو مهاجمین به منزل او را که قصد کشتن را داشتند بگیرند. مصدق مجبور شد دستور کتبی صادر کند و به عنوان وزیر دفاع ملی حکم کند که در مقابل مهاجمین ایستادگی شود. اگر رادیو تصرف می شد و از آنجا صدای شاه، زاهدی و امثال آنها بر می آمد به احتمال قریب به یقین حکومت مصدق سرنگون شده بود.

نتایج توطئه نهم اسفند

توطئه نهم اسفند هم از نظر تکنیک کودتا هم از نظر تناسب نیروهای اجتماعی - سیاسی قابل توجه بود.

از نظر تکنیک و فن کودتا، نهم اسفند تمرین عمومی ۲۸ مرداد است. در این توطئه همه عناصر و اجزای کودتای ۲۸ مرداد را می توان دید. در اینجا «خط» کرمیت روزولت «فرمانده عملیات» به خوبی خوانده می شود. او در نهم اسفند از همان اجزا و عناصری استفاده کرد که در ۲۸ مرداد. در نهم اسفند هم کار کودتا در آغاز به دست مشتی او باش سرده شد و نیروهای نظامی پشت سر آن حرکت می کردند. او باش تجهیز شده و متشکل، به اتکای نیروی نظامی شهر غافل گیر و غیر متشکل و هاج و واج را قرق کردند؛ محیط وحشت آفرینند و از گنجی و سردرگمی که بر اثر سیاست های با روشن دولت و خیانت های دوستان نیمه راه جنش فراهم شده بود برای به دست گرفتن کنترل اوضاع استفاده کردند. مصدق نه فقط به کشور، حتی به تهران هم مسلط نبود. هیچ سازمان متشکل حزبی و دولتی که در لحظه خطر به آن مراجعه کند نداشت. احزاب وابسته به جبهه ملی در حال فروپاشیدن بودند و نیرویی نداشتند از نظر سیاسی نیز قلع بوده پس از این همه سال همکاری با سیاست آمریکا وقتی لحظه مخالفت با آن فرا می رسید نمی دانستند چه باید کرد. مقامات دولتی هم که در لحظات حساس از کنترل دولت مصدق خارج بوده گوش به دربار و سفارت آمریکا داشتند. نیروی متشکل مدافع دولت می توانست حزب توده ایران و کمیتکاهای کارگری باشد که مصدق رابطه خوبی با آنها نداشت و برای اثبات این که جلو «خطر کمونیسم» را گرفته است از مرایجه به آنها امتناع می ورزید و ادامه فعالیت آنها را فقط در چارچوب مجزی می دانست. حزب توده ایران هنوز غیرقانونی بود. مسئولین مرکزی حزب در خاک اختفا زندگی می کردند همیشه در خطر بازداشت بودند. روزنامه هایی که به جای بسوی آینده ناشر افکار حزب، منتشر می شدند یکی پس از دیگری از طرف حکومت نظامی توقیف می شدند و مأمورین فرمانداری نظامی و پلیس هر جا دستشان می رسید فضاين حزب را به زندان می افکندند.

از نظر تناسب نیروهای طبقاتی نیز نهم اسفند حکایت از پیدایش مرحله جدیدی می کرد و آن این که در این روز بازار تهران هم دیگر به طور درستی مدافع مصدق نبود. بازار مدنی بلا تکلیف ماند که حرف مصدق را به میزدید و با حرف کاشانی و بهبهانی را!

«باختر امروز» وضع بازار را در فردای نهم اسفند به شرح زیر توصیف می کند:

«بازار تهران وضع متشنجی داشت. مردم همه در یک حالت انتظار آمیخته با اضطراب به سر می بردند. مقارن ساعت ۱۰ قسمتی از بازار بسته شد. شایع شد که سران اصناف برای اتخاذ تصمیم ساعت سه بهمازظهر جلسه تشکیل خواهند داد و اعلامیه ای مبنی بر پشتیبانی از دولت مصدق خواهند داد.

چون اصناف و تجار تصمیمی نگرفته بودند دائماً تلفنی از باختر امروز جوای نظر مجلس و دولت بودند. می گفتند به ما خبر قطعی بدهید تا تکلیف خود را تهیه برای پشتیبانی از مصدق دست به مبارزه بزنیم. ۷۲»

یکی از ویژگی های مهم توطئه نهم اسفند که تناسب نیروهای سیاسی را بیان می کرد به میان آمدن علی بنای برخی از رهبران مذهبی به سود شاه بود. چنان که می دانیم آیت الله کاشانی در سی ام تیر ۱۳۳۱ در صف مقابل قوام السلطنه قرار گرفت و نقش قاطعی در دفاع از مصدق ایفا کرد. در ماه های بعد نیز با وجود مخالفت با مصدق از شرکت در توطئه های ضد او خودداری می کرد. اما اینکه توطئه گران موفق شده بودند پای آیت الله کاشانی و به ویژه بهبهانی را علناً به میان بکشند و خود را به جناح مذهبی متکی نشان دهند. در روز نهم اسفند بهبهانی در جلو کاخ مرمر روی دست کودتاجویان سخنرانی می کرد و آیت الله کاشانی در این یک روز سه نامه و اعلامیه در ارتباط با توطئه منتشر کرد. دیو نامه و اعلامیه در دفاع آشکار از شاه و به قصد جلوگیری از سفرویی بود و مردم را به تظاهرات به سود شاه دعوت می کرد.

در یکی از نامه ها آیت الله کاشانی می نوشت:

- ۷۰. باختر امروز ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱
- ۷۱. روزنامه اطلاعات، ۲۲ مردادماه ۱۳۳۱، خاطرات عمیدی نوری
- ۷۲. باختر امروز ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱

میدانواقسام کاشانی ۷۳
تنها دیروقت روز نهم اسفند زمانی که دیگر مصدق از منزل فرار کرده و کودتا شکست خورده بود ولی او باش هم چنان منزل او را غارت می کردند آیت الله کاشانی حاضر شد نماینده ای پیش آنان بفرستد و دستور دهد که دست از ادامه غارت بردارند.
آیت الله کاشانی نوشته بود:

«برادران عزیز مسوخ شد عدای به در خانه جناب آقای دکتر مصدق حمله نمودند. خواهشتم متفرق شوید و از تعرض خودداری نمایند. جناب آقای موسوی را برای ابلاغ این مطلب را فرستادم.

میدانواقسام کاشانی ۷۴
ولی باید توجه داشت که جدایی آیت الله کاشانی از مصدق به معنای جدایی همه روحانیت از نهضت ملی ایران نبود. بسیاری از روحانیون مبارز تا پایان با نهضت ماندند. از جمله آقایان انگلی، میلاتی، زنجانی و دیگران که در مجلس بودند و تا آخر عهد خود را نشکستند.

یکی از مهم ترین نتایج توطئه نهم اسفند نزدیک کردن مجدد حزب توده ایران به مصدق بود. حزب توده ایران به رغم سردی مناسبات که پیش می آمد هر بار که وضع مصدق متزلزل می شد به دفاع از او بر می خاست. در نهم اسفند نیز زمانی که خبر توطئه در شهر پیچیده مبارزین توده ای در زیر ضربات «مأمورین انتظامی» به خیابانها آمدند و به سود مصدق و علیه دربار به تظاهر پرداختند.

«روزنامه کیهان» درباره تظاهرات توده ای ها و رفتار مأمورین انتظامی با آنان از جمله نوشته بود:

«عناصر افراطی چپ [!!!] در میدان توپخانه جمع شدند... جمعیت زیادی گرد آمد... مأمورین انتظامی دخالت کردند... هر کسی از آنها که به دست می آمد از طرف پاسبانها و جیمی که نزدیک ایشان بود [یعنی کودتاجویان] شدیداً مضروب شدند به طوری که خون از سر و روی آنان جاری گردید...»

عمال امپریالیسم و دربار واقعاً به توده ای ها رحم نمی کردند. دفاع آنها از مصدق با شدیدترین و خشن ترین حملات پاسخ داده می شد. با این حال توده ای ها در حالی که خون از سر و رویشان می ریخت از مصدق دفاع می کردند.

نهم اسفند نقطه عطف قطعی شد در مناسبات حزب توده ایران و مصدق.

از آن پس حزب توده ایران با وجود روش بی نهایت ناجوانمردانه سازمانهای هوادار جبهه ملی، قاطع تر از همیشه در کنار مصدق قرار گرفت. نهم اسفند امکانات وسیعی را که برای پیروزی کودتا در شهرستانها وجود دارد نشان داد. در واقع در آن روز همه شهرستانها عملاً در دست کودتاجویان بود و اگر صدای رادیوی تهران درمی آمد که مصدق سرنگون شد، کار شهرستانها تمام بود. شهرستانها تازه دوروز بعد به حرکت درآمدند. مصدق طی دو سال حکومت خود توانست بود پایه های قدرت دربار و ملاکین را در شهرستانها متزلزل کند و برای ابراز اراده توده مردم روزی بگشاید.

آخرین نکته ای که درباره نهم اسفند باید گفت این است که این توطئه به رابطه دربار و مصدق، و آمریکا و مصدق به شدت لطمه زد. مصدق از آن پس در برابر شاه آشکارتر از گذشته ایستاد، و در مورد آمریکا، با آنکه هنوز امیدهایی داشت در برابر کسانی نظیر هنرمین - سفیر وقت آمریکا - جبهه گرفت. خود هنرمین به برخی از نزدیکانش گفته بود:

«ممکن است در هر لحظه دولت ایران از آمریکا تقاضای احضار او را بکند. ۷۵»
این مطلب را سال ها بعد آیدن نیز در خاطراتش از قول آیزنهاور بیان داشت و نوشت:

«رئیس جمهور گفت که بر سر مداخلات هنرمین بر سر هواداری از شاه مریضیت او نزد مصدق بسیار ضعیف شده است و امکان قطعی دارد که گدزنامه اش را به دستش بدهند و روانه اش کنند. ۷۶»

متأسفانه این اتفاق نیفتاد. مصدق جرأت نکرد که این چنین قاطع عمل کند. سفیر توطئه گر آمریکا و همه عمال جاسوسی آن کشور در ایران ماندند و سرانجام حکومت ملی او را سرنگون کردند.

از نهم اسفند سال ۱۳۳۱ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

شکست توطئه نهم اسفند به هیچ وجه به معنای پیروزی نهایی نهضت ملی ایران نبود بلکه آغاز مرحله قطعی نبرد رو یاروی نهضت ملی ایران با امپریالیسم و عمال آن بود. در نهم اسفند برده های ملاحظه و تعارف در پنه شد. جای برای آشتی نماند. به دستور مصدق عده زیادی از امرای توطئه گر ارتش و سران او باش توقیف شدند. با سخنرانی افشاگرانه مصدق مسأله دربار و دخالت های ناروایش به سود امپریالیسم انگلیس در میان توده مردم مطرح گشت. با آن که مصدق اسم آمریکا را نمی برد نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا اوج می گرفت. ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۲ در شیراز مردم به اداره اصل چهار ترومن هجوم برده آن را درهم گویند. در تظاهرات ضد آمریکایی که رفته رفته اوج می گرفت حوادث شریاز نقطه عطفی بود و نشان می داد که چهره کریمه آمریکایی جنایت کار برای بخشی از هواداران مصدق نیز شناخته می شود و مبارزه ضد آمریکایی که حزب توده ایران چندسال متوالی به تنهایی آن را پیش می برد به سایر نیروهای ملی نیز سرایت می کند.

مصدق در همان شبی که توطئه شکست از مجلس خواست که تکلیف کار را بیکسره کند:

- ۷۳. روزنامه کیهان، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۴. روزنامه کیهان، ۹ اسفندماه ۱۳۳۱. بعدها که فهرست حمله کنندگان به منزل مصدق منتشر شد اسامی افراد زیرین در آن فهرست دیده می شد:
- نصبا ن جعفری (بی منخ)، طبیب حاج رضا بی، احمد عشقی محسن محروم سرهنگ سفید سرگرد خسروا نی و... و...
- مراجعه کنید به روزنامه اطلاعات ۱۰ مردادماه ۱۳۳۲
- ۷۵. نیوزویک، نقل از خواندننها، ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۶. خاطرات آیدن، چاپ با دشته، صفحه ۲۹۹.

یا او حکومت می کند یا شاه.
این مسأله اگر در آن لحظه بحرانی که توطئه شکسته و مردم به شدت علیه دربار خشمگین بودند حل می شد، تردیدی نبود که کار به زیان دربار خاتمه می یافت.

متولیان مجلس پادریانی کرده پیشنهاد کردند که کمیسیونی به اختلاف شاه و مصدق رسیدگی کند. این کمیسیون از ۸ نفر تشکیل شد که امثال بقای و مکی نیز عضو آن بودند و برای این که فعلاً مصدق را راضی کرده حل مسأله را به تعویق اندازند پختی از خواست های مصدق را علی الحساب پذیرفتند. در این کمیسیون اصول مورد اختلاف قانون اساسی که به علت دوپهلوی بودن هم به سود سلطنت مطلقه و هم به سود مشروطه تعبیر پذیر بود - و در حکومت پهلوی همواره به سود سلطنت مطلقه تعبیر شده بود - بررسی شد و طرحی متضمن تغییر این اصول به سود مشروطه تهیه شد که اگر به تصویب مجلس می رسید و در عمل اجرا می شد شمار مصدق که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت اجرا می گردید.

اما دربار و امپریالیست های حامی آن صد آن نداشتند که بر چنین چیزی تن در دهند. سلطه امپریالیسم در ایران تنها به دست حکومت دیکتاتوری وابسته مقصور می شد. عمال امپریالیسم و ارتجاع در مجلس از تصویب طرح جلوگیری کردند. حتی عدای از کسانی که طرح را خود تدوین و امضا کرده بودند حاضر نشدند که از تصویب بگذرد.

مبارزه ضد درباری که در روزهای پس از نهم اسفند به کوچه و خیابان کشیده شده بود، پس از تلویین این طرح و وعده تصویب آن از طرف اطرافیان مصدق به مجلس کشانیده شد. خود مصدق و سازمان های وابسته به جبهه ملی اعلامیه دادند که مردم دست از تظاهرات بردارند. حزب توده ایران که بازی های درباریان را باور نمی کرد از طرف هواداران مصدق مورد شدیدترین هجوم ها قرار می گرفت. تظاهرات ضد شاه از طرف «ملیون» سرکوب می شد. «باختر امروز» در شماره ۱۳ اسفندماه ادعا می کرد:

«مبارزه ضد درباری عناصر افراطی مورد حمایت مردم نیست. زیرا هدف آن ها مخالفت با نهضت است که به هیچ وجه با مبانی مشروطه مغایرت ندارد.

انتظار این که مردم این عناصر را در مبارزه ضد سلطنتی تقویت کند مادام که هدف مبارزه ماسط کردن رژیم مشروطه باشد بی مورد است. ۷۷»

بر اساس مذاکرات پشت پرده و در برابر وعده حل مسأله، مصدق عده زیادی از سران توطئه و از جمله سرلشکر زاهدی را از توقیف آزاد کرد و امکان داد که محافل توطئه گر اقامت فرصت کرده و با کشاندن بحث و جدل به جلسات مجلس و با دست زدن به انواع بازی های پارلمانی وقت بگذرانند. اقلیت هوادار دربار در مجلس از شرکت در جلسات خودداری می کرد و هر بار که جلسه علنی تشکیل می شد با یک تحریک کار را به زد و خورد کشانده مجلس را تعطیل می کرد.

تکلیف طرح کمیسیون هشت نفری یعنی تکلیف مناسبات دربار و دولت ملحق مانده بود.

لازم بود امر مبارزه از صحنه مجلس بیرون کشیده شود و با کمک مردم برای عقب راندن دربار اقلیمی به عمل آید. در این باره حزب توده ایران پیشقدم شد و طی اعلامیه ای که از سوی «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» منتشر شده بود از همه احزاب و سازمانها خواست که در یک اجتماع بزرگ شرکت کنند. عین دعوت نامه را از نظر اهمیتی که در روشن کردن مناسبات سیاسی آن روز دارد در زیر می آوریم:

دعوت عام

از تمام مردم ضد استعمار تهران

جمعیت ملی مبارزه با استعمار از کلیه احزاب، دسته ها، سازمانها و مردم ضد استعمار تهران از کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران، کسبه و سرمایه داران ملی دعوت می نماید که روز سه شنبه ۲۵ فروردین ماه ساعت ۱۱ صبح در میدان بهارستان برای تحقق شمارهای زیر اجتماع کنند:

۱. خاتمه دادن به مداخلات شاه و دربار در امر کشوری و لشگری و از بین بردن امکان این مداخلات برای همیشه.
۲. خاتمه دادن به مداخلات استقلال شکنانه امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی و اخراج جاسوسان و برچیدن مؤسسات جاسوسی آنها در سراسر کشور.
۳. صلح و میجارت مزدوران انگلیسی و آمریکایی که هر روز توطئه جدیدی علیه حاکمیت ملی ما ترتیب می دهند.
۴. تأمین امکان فعالیت ضد استعماری برای مردم ضد استعمار ایران.

جمعیت ملی مبارزه با استعمار ۷۸

در این دعوت نامه چنان که می بینید هیچ چیز خلاف مصالح ملی و یا کلمه ای تند و خوستی بلتئورواژانه وجود ندارد. این خواست ها حداقل آن چیزی است که در آن زمان انقلاب ایران بدان احتیاج داشت. به علاوه دعوت مردم به تظاهرات خیابانی نیز در آن زمان واقعاً ضروری بود. اما هم دشمنان آشکار نهضت ملی ایران و هم متأسفانه محافل هوادار مصدق با شدت علیه این دعوت برخاستند.

آیت الله کاشانی طی نامه ای از مصدق خواست:

«لایم است دستور فرمایید از تظاهرات و تعرض به آقایان نمایندگان محترم جلوگیری شود تا مشورتی متوجه هیات دولت نباشد. ۷۹»

شش قنات آبادی در مجلس به شدت به حزب توده ایران و مصدق تاخت:

«این دولت توده ای ملی مصدق مورد حمایت توده ای هاست... آقا این ها می خواهند دین و فضیلت [!!!] را از میان ببرند. این ها تبه و کلاه و مقدمات ملی ما فحش می دهند... سازشی شده است برای از بین بردن هستی و استقلال وطن... ۸۰»

- ۷۷. باختر امروز، ۱۳ اسفندماه ۱۳۳۱.
- ۷۸. با نگ مردم به جای بسوی پنده، دوشنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۷۹. روزنامه کیهان، ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۱.
- ۸۰. از مذاکرات مجلس، همان جا.

تجربیه امرداد

تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران

پیرنهاد این نوشته با دقت تمام انجام شد و فقط یک موز است. یافته را به شرح زیر بیان می کند:

شاه بیام دادم که خیال دارم رفتنم بکس. شاه آقايان علا و بست الدوله بالانبار را فرستادند. من هم سه نفر از نمایندگان دولت را تعیین کردم که به عنوان شاهد حضور داشته باشند. به شاهد شاه هم تعیین کردم که به عنوان شاهد حضور داشته باشند. به شاهد شاه هم تعیین کردم که به عنوان شاهد حضور داشته باشند.

بعداً اینحضرت همایشی اظهار تمایل به مسافرت کردند. من هم شاه شرفیاب شدم. قرار شد صبح روز پنجشنبه حرکت کنند. بعد از آنکه در روز شنبه حرکت می کنند. قرار صبح زود بود. بعد به ت ۱۰ میل شد.

برای انجام مسافرت دههاردلار آماده کردم: ۹ هزار دلار سوخته ک های خارجی و هزار دلار نقد. این پول را به آقای علا دادم. دستور دادم که با سربازان مسافرت را بیاورند پیش خودم. من با دست مردم عکس ها را به پاسپورت ها چسباندیم و مهر کردم. به دربار نادم.

دستور داده بودم که نیروهای انتظامی متبیر ایشان را تقویت کند و نگارند کسی در منزل شاه یا منزل من جمع شود. ۶۷

مقارن ساعت ۱۱ صبح... خبر مسافرت شاهنشاه و شایسته استقامت شان به رؤسای اصناف رسید. بلافاصله خواستند بازار را تعطیل کنند تا بیک ظهر کلیه دکا کین تعطیل شد. به منزل آیت الله بهبهانی رفتند و ایشان خواستند که در بار میزبان من مانع حرکت شاهنشاه بشوند.

بعد از آنکه از اطلاع خارج کردند... عدهای در بازار فریاد می زدند بجهت لنگ از دست رفت... در نزدیکی کاخ مرمر زنان تظاهرات می کردند خطاب به سربازان و مردم می گفتند: «غیرت کجاست! حیثیت ما کجاست؟ مملکت از دست رفت.» یکی از متظاهرين که لباس سیویل داشت وقتی مأمورین انتظامی جلوی او را گرفتند سرشوی هایش را رو آورد و گفت:

هموطن مرا نمی شناسی. من افسرم. وطن از دست رفت. ۶۸

کودتاجان این بود که مصدق را در دربار به دام اندازند و از میان ببرند. لحظه حساس یکی از افسران توده ای به کمک مصدق خیرخواه افسر توده ای گلد جاو پتان که نمی توانست (از خود را معرفی کند به طور غیر مستقیم مصدق را نجات داد. در خاطرارش پیراهن این روز می نویسد:

پس از ورود مصدق به کاخ سلطنتی، تعدادی از امرا و افسران بازنشسته قبیل امیراحمدی، شاهبختی، عزیز امیررحیمی، خسروانی و... به برج در خیابان پاستور گرد آمدند. حدود ۶۰ نفر از اعضای حزب آریا نیز به سرپرستی شهر جمع شدند، ملکه اقتصادی به جمع آنها پیوست. در نزدیکی کاخ بسته شدند. خیر رسید که می خواهند هنگام خروج به مصدق حمله کنند.

به دنبال راه حل می گشتم به آقای پیرنهاد رئیس تشریفات دربار که به مصدق احترامی نشان می داد مرا همراه کرد. خطر را متذکر شدم و پیشنهاد کردم که دکتر مصدق از کاخ اختصاصی به کاخ شمس پهلوی که در شمال آن واقع بود از آنجا به منزلش برود. پیشنهاد قبول شد. برینا و من و امیر امیر صادقی (رئیس انجمن مخصوص شاه) دکتر مصدق را تا درب اصلی کاخ شمس مشایط کردیم. ۶۹

مصدق از چنین راهی نجات داده شد او با شرف و افسران رانر ریختند. در آهنگی منزل را شکستند، تا جایی که مصدق همراه دکتر حسین قاضی (زندگیاد همواره در مواقع سخت بود) با تردیدان به خانه همسایه فرار کند و از آن جا خود را به نجات دهد. اما کودتاجان تا دیروقت شب در خیابان ها حاکم بودند.

حمله کرده بودند به خیابان های شهر روی آورده و با چوب و چساق به منازل می حمله می کردند. اکثر خیابان های بیوسف آباد و اسلامی و لاله زار و شاه آباد بسته و صاحبان آنها در مقابل مواضع خود ناظر بر اوضاع بودند. هر جا به طرفداری از مصدق تظاهری می شد مأمورین انتظامی و افسران بازنشسته می گفتند بزنید! بکشید.

تیروهای انتظامی، «آوارگان» افسران بازنشسته «باشگاه تاج» تظاهرات می کردند و از در و دیوار مجلس بالا می رفتند. در خیابان ها صدای افسران شنیده می شد که رادیو را بگیرد... مهم است. ۷۰

چند سال بعد عمیدی نوری از مؤسسين جبهه ملی که به دشمن پیوسته بود و معاون سیاسی سر لشکر زاهدی شد ضمن خاطرات خود نوشت: «اگر در نهم اسفند مردم رادیو را تصرف می کردند کار به ۲۸ مرداد نمی رسید و همان روز موضوع خاتمه می یافت. ۷۱»

در این گفته حقیقتی نهفته است. نیروهای مسلح تا آن حد خارج از اختیار نخست وزیر بودند که حتی نمی خواستند جلو مهاجمین به منزل او را که قصد کشتش را داشتند بگیرند. مصدق مجبور شد دستور کتبی صادر کند و به عنوان وزیر دفاع ملی حکم کند که در مقابل مهاجمین ایستادگی شود. اگر رادیو تصرف می شد و از آنجا صدای شاه، زاهدی و امثال آنها بر می آمد به احتمال قریب به یقین حکومت مصدق سرنگون شده بود.

تولطه نهم اسفند هم از نظر تکنیک کودتا و هم از نظر تناسب نیروهای اجتماعی - سیاسی قابل توجه بود.

از نظر تکنیک و فن کودتا، نهم اسفند تمرین عمومی ۲۸ مرداد است. در این تولطه همه عناصر و اجزای کودتای ۲۸ مرداد را می توان دید. در اینجا «خط» کمیت روزولت «فرمانده عملیات» به خوبی خوانده می شود. او در نهم اسفند از همان اجزا و عناصری استفاده کرد که در ۲۸ مرداد. در نهم اسفند هم کار کودتا در آغاز به دست مثنی او با شرف سپرده شد و نیروهای نظامی پشت سر آن حرکت می کردند. او با شرف تجهیز شده و متشکل، به اتکالی نیروی نظامی شهر غافل گیر و غیر متشکل و هاج و واج را فریاد کردند؛ محیط وحشت آفرینند و از گنجی و سردرگمی که بر اثر سیاست های با روشن دولت و خیانت های دوستان نیمه راه جنبش فراهم شده بود برای به دست گرفتن کنترل اوضاع استفاده کردند. مصدق نه فقط به کشور، حتی به تهران هم مسلط نبود. هیچ سازمان متشکل حزبی و دولتی که در لحظه خطر به آن مراجعه کند نداشت. احزاب وابسته به جبهه ملی در حال فروپاشیدن بودند و نیرویی نداشتند از نظر سیاسی نیز قلع بوده پس از این همه سال همکاری با سیاست آمریکا وقتی لحظه مخالفت با آن فرا می رسید نمی دانستند چه باید کرد. مقامات دولتی هم که در لحظات حساس از کنترل دولت مصدق خارج بوده گوش به دربار و سفارت آمریکا داشتند. نیروی متشکل مدافع دولت می توانست حزب توده ایران و سندیکاهای کارگری باشد که مصدق رابطه خوبی با آنها نداشت و برای اثبات این که جلو «خطر کمونیسم» را گرفته است از مراجعه به آنها امتناع می ورزید و ادامه فعالیت آنها را فقط در چارچوب معینی مجاز می دانست. حزب توده ایران هنوز غیر قانونی بود. مسئولین مرکزی حزب در حال اختفا بودند و می کردند و همیشه در خطر بازداشت بودند. روزنامه هایی که به جای بسوی آینده ناشر افکار حزب، منتشر می شدند یکی پس از دیگری از طرف حکومت نظامی توقیف می شدند و مأمورین فرمانداری نظامی و پلیس هر جا دستشان می رسید متاعین حزب را به زندان می افکندند.

از نظر تناسب نیروهای طبقاتی نیز نهم اسفند حکایت از پیدایش مرحله جدیدی می کرد و آن این که در این روز بازار تهران هم دیگر به طور در دست مدافع مصدق نبود. بازار مدنی بلا تکلیف ماند که حرف مصدق را به پندیرد و با حرف کاشانی و بهبهانی را!

«باختر امروز» وضع بازار را در فریاد نهم اسفند به شرح زیر توصیف می کند:

«بازار تهران وضع متشنجی داشت. مردم همه در یک حالت انتظار آویخته با اضطراب به سر می بردند. مقارن ساعت ۱۰ قسمتی از بازار بسته شد. شایع شد که سران اصناف برای اتخاذ تصمیم ساعت سه بهمازظهر جلسه ای تشکیل خواهند داد و اعلامیه ای مبنی بر پشتیبانی از دولت مصدق خواهند داد.

چون اصناف و تجار تصمیمی نگرفته بودند دائماً تلفنی از باختر امروز جویای نظر مجلس و دولت بودند. می گفتند به ما خبر قطعی بدهید تا تکلیف خود را همیشه برای پشتیبانی از مصدق دست به مبارزه بزنیم. ۷۲»

یکی از ویژگی های مهم تولطه نهم اسفند که تناسب نیروهای سیاسی را بیان می کرد به میان آمدن علی یای برخی از رهبران مذهبی به سود شاه بود. چنان که می دانیم آیت الله کاشانی در می ام تیر ۱۳۳۱ در صف مقابل قوام السلطه قرار گرفت و نقش قاطعی در دفاع از مصدق ایفا کرد. در ماه های بعد نیز با وجود مخالفت با مصدق از شرکت در تولطه های ضد او خودداری می کرد. اما اینکه تولطه گران موفق شده بودند پای آیت الله کاشانی و به ویژه بهبهانی را علناً به میان بکشند و خود را به جناح مذهبی متکی نشان دهند. در روز نهم اسفند بهبهانی در جلو کاخ مرمر روی دست کودتاجان سخرانی می کرد و آیت الله کاشانی در این یک روز سه نامه و اعلامیه در ارتباط با تولطه منتشر کرد. جو نامه و اعلامیه در دفاع آشکار از شاه و به قصد جلوگیری از فریاد یود و مردم را به تظاهرات به سود شاه دعوت می کرد.

در یکی از نامه ها آیت الله کاشانی می نوشت: «مردم! برادران دینی! هیولتان!

با تقییر از احساسات مین دوستی مردم از همه خواهانم که با نمایندگان مجلس و علما و روحانیون و سایر طبقات همکاری نموده و متفقاً در درخواست تبعید نظر در تصمیم اعلیحضرت... که متنبی به آشتی این کشور و باعث نجات می شود بالاتفاق جلوگیری نمایند.

با خترا امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱. ۷۰

روزنامه «اطلاعات» ۲۷ مردادماه ۱۳۳۱، خاطرات عمیدی نوری. ۷۱

با خترا امروز، ۱۰ اسفندماه ۱۳۳۱. ۷۲

سید ابوالقاسم کاشانی ۷۳

«برادران عزیز مسموع شد عدهای به در خانه جناب آقای دکتر مصدق حمله نمودند. خواهششتم متفرق شوید و از تعرض خودداری نمایید. جناب آقای موسوی را برای ابلاغ این مطلب را فرستادم.

ولی باید توجه داشت که جدایی آیت الله کاشانی از مصدق به معنای جدایی همه روحانیت از نهضت ملی ایران نبود. بسیاری از روحانیون مبارز تا پایان با نهضت ماندند. از جمله آقايان انگلیسی، میلانی، زنجانی و دیگران که در مجلس بودند و تا آخر عهد خود را نشکستند.

یکی از مهم ترین نتایج تولطه نهم اسفند نزدیک کردن مجدد حزب توده ایران به مصدق بود. حزب توده ایران به رغم سردی مناسبات که پیش می آمد هر بار که وضع مصدق متزلزل می شد به دفاع از او بر می خاست. در نهم اسفند نیز زمانی که خبر تولطه در شهر پیچیده مبارزین توده ای در زیر ضربات «مأمورین انتظامی» به خیابان ها آمدند و به سود مصدق و علیه دربار به تظاهرات برخاستند.

«روزنامه کیهان» درباره تظاهرات توده ای ها و رفتار مأمورین انتظامی با آنان از جمله نوشته بود:

«عناصر افراطی سپ [!] در میدان توپخانه جمع شدند... جمعیت زیادی گرد آمد... مأمورین انتظامی دخالت کردند... هر کس از آنها که به دست می آمد از طرف پاسان ها و جیمی که نزدیک ایشان بود [یعنی کودتاجان] شدیداً مضروب شدند به طوری که خون از سر و روی آنان جاری گردید...»

عمال امپریالیسم و دربار واقعاً به توده ای ها رحم نمی کردند. دفاع آنها از مصدق با شدیدترین و خشن ترین حملات پاسخ داده می شد. با این حال توده ای ها در حالی که خون از سر و رویشان می ریخت از مصدق دفاع می کردند.

نهم اسفند نقطه عطف قطعی شد در مناسبات حزب توده ایران و مصدق. از آن پس حزب توده ایران با وجود روش بی نهایت ناسیونالیستانه سازمان های هوادار جبهه ملی، قاطع تر از همیشه در کنار مصدق قرار گرفت. نهم اسفند امکانات وسیعی را که برای پیروزی کودتا در شهرستان ها وجود دارد نشان داد. در واقع در آن روز همه شهرستان ها عملاً در دست کودتاجان بود و اگر صدای رادیوی تهران درمی آمد که مصدق سرنگون شد، کار شهرستان ها تمام بود. شهرستان ها تازه دوروز بعد به حرکت درآمدند. مصدق طی دو سال بحکومت خود توانست بدهی های قدرت دربار و ملاکین را در شهرستان ها متزلزل کند و برای ابراز اراده توده مردم روزنی بگشاید.

آخرین نکته ای که درباره نهم اسفند باید گفت این است که این تولطه به رابطه دربار و مصدق، و آمریکا و مصدق به شدت لطمه زد. مصدق از آن پس در برابر شاه آشکارتر از گذشته ایستاد، و در مورد آمریکا، با آنکه هنوز امیدهایی داشت در برابر کسانی نظیر هندرسن - سفیر وقت آمریکا - جبهه گرفت. خود هندرسن به برخی از نزدیکانش گفته بود:

«مسکن است در هر لحظه دولت ایران از آمریکا تقاضای اسخار او را بکند. ۷۵»

این مطلب را سال ها بعد آیدن نیز در خاطراتش از قول آیزنهاور بیان داشت و نوشت:

«رئیس جمهور گفت که بر سر مناسبات هندرسن بر سر هواداری از شاه مقبوت او نزد مصدق بسیار ضعیف شده است و امکان قطعی دارد که گزندنامه اش را به دستش بدهند و رونه اش کنند. ۷۶»

متأسفانه این اتفاق نیفتاد. مصدق جرأت نکرد که این چنین قاطع عمل کند. سفیر توده گر آمریکا و همه عمال جاسوسی آن کشور در ایران ماندند و سرانجام حکومت ملی او را سرنگون کردند.

از نهم اسفند سال ۱۳۳۱ تا ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

شکست تولطه نهم اسفند به هیچ وجه به معنای پیروزی نهایی نهضت ملی ایران نبود بلکه آغاز مرحله قطعی نبرد رویاروی نهضت ملی ایران با امپریالیسم و عمال آن بود. در نهم اسفند پرده های ملاحظه و تعارف دریده شد. جایی برای آشتی نماند. به دستور مصدق عده زیادی از امرای تولطه گر ارتش و سران او با شرف توقیف شدند. با سخنرانی افشاگرانه مصدق مسأله دربار و دخالت های نارواییش به سود امپریالیسم انگلیس در میان توده مردم مطرح گشت. با آن که مصدق اسم آمریکا را نمی برد نفرت نسبت به امپریالیسم آمریکا اوج می گرفت. ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۲ در شیراز مردم به اداره اصل چهار ترومن هجوم برده آن را درهم کوبیدند. در تظاهرات ضد آمریکایی که رفته رفته اوج می گرفت حوادث شیراز نقطه عطفی بود و نشان می داد که چهره کریمه آمریکایی جنایت کار برای بخشی از هواداران مصدق نیز شناخته می شود و مبارزه ضد آمریکایی. که حزب توده ایران چندسال متوالی به تنهایی آن را پیش می برد به سایر نیروهای ملی نیز سرایت می کند.

مصدق در همان شبی که تولطه شکست از مجلس خواست که تکلیف کار را بیکره کند

۷۳. روزنامه «کیهان» ۱۹ اسفندماه ۱۳۳۱. ۷۳. روزنامه «کیهان» ۹ اسفندماه ۱۳۳۱. ... بعدها که فهرست حمله کنندگان به منزل مصدق منتشر شد اسامی افراد زیرین در آن فهرست دیده می شد:

یا او حکومت می کند یا شاه. این مسأله اگر در آن لحظه بحرانی که تولطه شکست و مردم به شدت علیه دربار خشمگین بودند حل می شد، تردیدی نبود که کار به زیان دربار خاتمه می یافت.

متولیان مجلس پادریانی کرده پیشنهاد کردند که کمیسیونی به اختلاف شاه و مصدق رسیدگی کند. این کمیسیون از ۸ نفر تشکیل شد که امثال بقای و مکی نیز عضو آن بودند و برای این که فعلاً مصدق را راضی کرده حل مسأله را به تقویق انانازند بخشی از خواست های مصدق را علی الحساب پذیرفتند. در این کمیسیون اصول مورد اختلاف قانون اساسی که به علت دو پهلوی بودن هم به سود سلطنت مطلقه و هم به سود مشروطه تفسیر پذیر بود - و در حکومت پهلوی همواره به سود سلطنت مطلقه تفسیر شده بود - بررسی شد و طرحی متضمن تغییر این اصول به سود مشروطه تهیه شد که اگر به تصویب مجلس می رسید و در عمل اجرا می شد شمار مصدق که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت اجرا می گردید.

اما دربار و امپریالیست های حامی آن قصد آن نداشتند که برجستین چیزی تن در دهند. سلطه امپریالیسم در ایران تنها به دست حکومت دیکتاتوری وابسته مقصور می شد. صال امپریالیسم و ارتجاع در مجلس از تصویب طرح جلوگیری کردند. حتی عده ای از کسانی که طرح را خود تدوین و امضا کرده بودند حاضر نشدند که از تصویب بگذرد.

مبارزه ضد درباری که در روزهای پس از نهم اسفند به گوشه و خیابان کشیده شد، پس از تدوین این طرح و وعده تصویب آن از طرف اطرافیان مصدق به مجلس کشانیده شد. خود مصدق و سازمان های وابسته به جبهه ملی اعلامیه دادند که مردم دست از تظاهرات بردارند. حزب توده ایران که بازی های درباریان را باور نمی کرد از طرف هواداران مصدق مورد شدیدترین هجوم ها قرار می گرفت. تظاهرات ضد شاه از طرف «ملیون» سرکوب می شد. «باختر امروز» در شماره ۱۳ اسفندماه ادعا می کرد:

«مبارزات ضد درباری عناصر افراطی مورد حمایت مردم نیست. زیرا هدف آنها مخالفت با نهضتی است که به هیچ وجه با مبانی مشروطه مطابقت ندارد.

انتقار این که مردم این عناصر را در مبارزه ضد سلطنتی ترویج کنند مادام که هدف مبارزه ساقط کردن رژیم مشروطه باشد بی مورد است. ۷۷»

بر اساس مذاکرات پشت پرده و در برابر وعده حل مسأله، مصدق عده زیادی از سران تولطه و از جمله سرلشکر زاهدی را از توقیف آزاد کرد و امکان داد که محافل تولطه گر اتمام فرست کرده و با کشاندن بحث و جدل به جلسات مجلس و با دست زدن به انواع بازی های پارلمانی وقت بگذرانند. اقلیت هوادار دربار در مجلس از شرکت در جلسات خودداری می کرد و هر بار که جلسه علنی تشکیل می شد با یک تحریک کار را به زد و خورد کشانده مجلس را تعطیل می کرد.

تکلیف طرح کمیسیون هشت نفری یعنی تکلیف مناسبات دربار و دولت ملحق مانده بود.

لازم بود امپریالیسم از صحنه مجلس بیرون کشیده شود و با کمک مردم برای عقب راندن دربار اقامتی به عمل آید. در این باره حزب توده ایران پیشقدم شد و طی اعلامیه ای که از سوی «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» منتشر شده بود از همه احزاب و سازمان ها خواست که در یک اجتماع بزرگ شرکت کنند. عین دعوت نامه را از نظر اهمیتی که در روشن کردن مناسبات سیاسی آن روز دارد در زیر می آوریم.

دعوت عام از تمام مردم ضد استعمار تهران

جمعیت ملی مبارزه با استعمار از کلیه احزاب، دسته ها، سازمان ها و مردم ضد استعمار تهران از کارگران، دهقانان، روشنفکران، پیشه وران، کسبه و سرمایه داران ملی دعوت می نماید که روز شنبه ۲۵ فروردین ماه ساعت ۱۱ صبح در میدان بهارستان برای تحقق شعارهای زیر اجتماع کنند:

۱. خاتمه دادن به مداخلات شاه و دربار در امور کشوری و لشگری و از بین بردن امکان این مداخلات برای همیشه. ۲. خاتمه دادن به مداخلات استقلال شکنانه امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی و انزاع جاسوسی و سرچیند متوسلات جاسوسی آنها در سراسر کشی. ۳. محاکمه و مجازات مزدوران انگلیسی و آمریکایی که هر روز تولطه جدیدی علیه حاکمیت ملی ما ترتیب می دهند. ۴. تأمین امکان فعالیت خدمتگزاران برای مردم ضد استعمار ایران.

جمعیت ملی مبارزه با استعمار ۷۸

در این دعوت نامه چنان که می بینید هیچ چیز خلاف مصالح ملی و یا کلیه ای تند و خواستی بلند پروازانه وجود ندارد. این خواست ها حداقل آن چیزی است که در آن زمان انقلاب ایران بدان احتیاج داشت. به علاوه دعوت مردم به تظاهرات خیابانی نیز در آن زمان واقعاً ضروری بود. اما هم دشمنان آشکار نهضت ملی ایران و هم متأسفانه محافل هوادار مصدق با شدت علیه این دعوت برخاستند.

آیت الله کاشانی طی نامه ای از مصدق خواست: «لازم است دستور فرمایید از تظاهرات و تعرض به آقايان نمایندگان محترم جلوگیری شود تا مسلوبی نتیجه هیات دولت نباشد» ۷۹

شمس قنات آبادی در مجلسی به شدت به حزب توده ایران و مصدق ناخست:

«این دولت توده ای ملی مصدق مورد حمایت توده ای هاست... آقا این ها می خواهند دین و قضیلت [!] را از میان ببرند. این ها تپه و کلا و مقدمات ملی ما فحش می دهند... سازشی شده است برای از بین بردن هستی و استقلال وطن. ۸۰»

حزب توده مرداد

جنبش ملی شدن نفت ایران

مؤاداران حزب توده ایران که در خیابان های شاه سعدی بودند و سازمان های هوادار مصدق که در زمینه ای برای ارزیابی نیروها به دست می داد. های طرفدار حزب توده ایران به مراتب بیشترند. پس درسی ام تریبوجسته ترشد. در این روز که به پیش تظاهراتی صورت گرفت بان ایرانیست ها و استاد ارتباط آنان با دربار افشا شده) به بهانه ملی و با تهدید به خونریزی از برگزاری تظاهرات اجباراً تظاهرات جداگانه ای انجام شد: صبح بان ایرانیست ها، عصر جمعیت ملی مبارزه با تظاهرات عصر با جمعیت به مراتب انبوه تر، شد. رفیقان نیمه راه جنبش ملی، کسانی که از این ترس هر لحظه آماده سازش با ارتجاع و سی ام تیره به وحشت افتادند. دکتر غلامحسین وزیر کشور مصدق- کسی که زمستان ۱۳۵۷ خلق با شاه ملاقات کرد و با شرایطی آمادگی ملام داشت- درباره وحشی که از تظاهرات آن رگی در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالب زیر را از

مبارزه حرکت ۲۸ مرداد (هنوز هم می گویند حرکت!) و [!!!] درسی تور ۳۳ آماده شده بود. زیرا همه مردم از رفتار دکتر مصدق بودند و از جان و دل او را می ستودند و عده ای دیگر اصرار کردند که حاضر رویت به حزب تجدیدگانه شرکت کنند و میلیون در یک زمان دیگر به یک نیم روز جوش ها با نظم و ترتیب خاص و قدرت و یک نیم روز عناصر ملی با ضعف تشکلاتی دست

بیم قرائت های بی مورد آورد که دولت های غربی اولادیت دکتر محمد مصدق به تفضیل پایگاه دولت مصدق هرات توده ها در آن روز ظاهرآ چند برابر طرفداران

ترتیب دولت انگلیس توانست نظر موافق دولت آغاز یک حرکت ضد ملی در ایران آماده سازد... من پیام آیتنهار که با آن شد دولت آقای مصدق را داده بود متأسراً از برداشتن جنبش جمهوری جدید آمریکا از تیر در میدان بهارستان بود. ۹۱

نیست که امپریالیسم آمریکا از تظاهرات سی ام توده کودتا نیتاد. از ماه های پیش نقشه کودتا یکا دشمن ملی شدن نفت و استقلال ایران بود و استقلال و ملی اش سرنگون کرد.

این مطلب را با صراحتی و قبحانه بیان کرد و

سپاه از جمله متابع هنجوبین، اندونزی، برمانی و غیره است دنیا آزاد کمال ضرورت را دارد... از این لحاظ با سایر کشورهای آسیا در یک ردیف و وضعیت می باشد. اگر چه دموکراسی کشورهای آسیا و کشورهای نظیر هندوچین را از دست بدهد بطور ممکن ضرورت اندونزی و مواد خام هنگت آن کشور را که برای اهمیت را دارد نگاه داری نباید؟ ۹۲

سخن گوی گستاخ انحصارات امپریالیستی آمریکا کمونیسم، «دموکراسی»، «جهان آزاد» و نظایر پنهان کردن سیاست جنایت بار امپریالیسم که کشورهای دیگر واسیر کردن آن هاست. کریمت کودتا، دو روز پیش از سی ام تیر (در ۲۸ تیرماه) ایران- صحنه عملیات- شده بود. کودتا نتیجه ملی ها نبود، بلکه جدا کردن توده ای از مصدق ها برت توده ای ها و ترساندن مردم از آن، جزئی از کودتای ضد مصدقی بود که به دست مدعیان «سوم» عملی می شد.

سرچ می کند که پایه طرح «آژاکس» بر این را جدا کند و مردم را از قدرت آن ها بترسانند.

سی هم در بیروت با کوبه و هرن داشت. هرن خیلی گفت قدرت به واقع دست حزب توده است و روس بن دست را ببیند. ۹۳

۲۸ شهریور ما ۱۳۵۸، ما همه با دکتر هم تصمیمی را انگلیس ها است که آمریکا (اندلی) ۱۵ مرداد ما ۱۳۳۲. ۱۳۳۲. ۱۳۳۲. ۱۳۳۲. ۱۳۳۲.

چوب و چماق برداشتن و به نام «نیروی سوم» صف واحد مردم را شکستن برای اجرای این نقشه و نشان دادن این دست!! بود. کسانی که حزب توده ایران را به میدان راه نمی دادند و صف آن را جدا می کردند مجری طرح «آژاکس» بودند.

ظاهراً در تیرماه حساب کودتایچیان هنوز این بود که با کمک شاه و مجلس به سقوط حکومت مصدق شکل ظاهراً قانونی بدهند و مثلاً به نام این که مجلس رأی عدم اعتماد به دولت داده، مصدق را به طور «قانونی» از نخست وزیری بردارند. به علاوه مجلس مدت ها بود که لایحه جاسوسان شده بود و همه جنایت کاران توطئه گر از زاهدی گرفته تا بقای در آن متحصن شده و خود را از مجازات نجات داده بودند و از همانجا به توطئه گری مشغول بودند. در برابر این وضع مصدق تصمیم به فرار نمود گرفت و طی پیامی خطاب به مردم ایران گفت:

«با وضع کنونی مجلس هفتم امید هیچ گونه موفقی در مبارزه ملت ایران نیست. دولت ناجار است از شما مردم وطن پرست تقاضا کند که عقیده خود را در ایقا با انحالل مجلس سریعاً اظهار کنید... مجلس در ماه های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی انحالل گران درآمده است.» ۹۲

این تصمیم کاملاً درست و انقلابی بود. فرزندم ۱۲ مرداد ماه در تهران و ۱۹ مرداد در شهرستان ها انجام شد. در تهران ۱۶۱ هزار نفر و در شهرستان ها یک میلیون و ۷۴۰ هزار نفر به انحالل مجلس رأی دادند. آرای مخالف ناچیز بود. مصدق در دادگاه نظامی برای نشان دادن اهمیت این آراء، کمیّت و کیفیت آن را با آرای انتخابات مجلس در دوره های گذشته مقایسه کرد و نشان داد که آرای فرزندم با وجود این که امکان رأی گیری از دهقانان نبود، به مراتب بیشتر از انتخابات دوره های گذشته مجلس و به مراتب آزادتر از آن ها بوده است. و این حقیقت انکار ناپذیری است. ولی نباید از نظر دور داشت که در این انتخابات به هر صورت همه صاحبان آراء- حتی در شهرها- شرکت نکردند. تبلیغات گسترده ضد توده ای و ضد انقلابی و تبلیغات گسترده سلطنت طلبانه که طی سال ها انجام گرفته و خود جبهه ملی در آن نقش برجسته ای ایفا کرده بود، و همچنین جدا شدن گروهی از رهبران جبهه ملی و مذهبی از جنبش و تحریم فرزندم از جانب آنان، سبب شد که قشری از مردم سکوت و نظاره از فرزندم دهند. جو غالب در تمام شهرستان ها و حتی در تهران، جو وحشت از فرزندم مردم می دیدند که دربار و ارتش و پلیس سر جای خود هستند و معلوم نیست که فرزندم بر نگرند و همین «نیروهای نظامی» که در زمان خود مصدق مردم را بیچاره کرده اند پس از او چه بلاها که بر سر کسانی که رأی به فرزندم داده اند، نیاورند. این وحشت، عدم اعتماد به انقلاب، فشار جو ضد توده ای بسیاری از مردم را طع کرده بود.

سرپرست پرده کودتاگران هم چنان با خیال راحت سرگرم اجرای نقشه خود بودند. به طوری که روزولت تصریح می کند نقشه آن ها از چهار خط حمله تشکیل می شد:

«روحانی نمایان ارتش ها، اوباش، زاهدی ها. ۹۵»

سازمان های جاسوسی آمریکایی و دربار تهران به روحانیون اعتماد زیادی نداشته اند و با آن که سازمان جاسوسی انگلیس نسبت به آن ها نظر مساعدی می داده، چشم «سپا» ظاهراً از آیت الله کاشانی زیاد آب نمی خورده است. در مورد ارتش خیال روزولت راحت تر بوده زیرا افسران مرتجع هوادار سلطنت مقامات حساس ارتش را به دست داشتند و از آن مهم ترین که مستشاران نظامی آمریکایی ارتش را کنترل می کردند. با این حال «سپا» به هیچ یک از افسران ایرانی اعتماد نکرد و فرماندهی نظامی کودتا را به عهده یک افسر آمریکایی به نام پترامونتن گذاشت که در موقع عملیات نیز به افسران ایرانی فقط در حدود حداقل ضرور اطلاعات می داد. ۹۶

روزولت به اوباش که دو برادر ایرانی جاسوس آمریکا می بایست آن ها را تجهیز کنند خیلی امیدوار بود و در تجربه دیده بود که این دو برادر «تیم مجبزی» از اوباش دارند. با پول کم آدم می خرند، شر به پیش می کنند و غیره. ۹۷

با این حال روزولت با وقاحتی برابر وقاحت تمام اوباش ۲۸ مردادی اضافه می کند:

«ما به صحن پرستان نیازمند بودیم نه به مزدوران.» ۹۸

حلقه مرکزی این چهار ستون حمله شخص شاه بود که می بایست به عملیات جاسوسی امپریالیستی ظاهر قانونی و ایرانی بدهد و اوباش و افسران مرتجع و ملاکین غارت گر... را به هم ببینند. از شاه در واقع نامش لازم بود. اما شاه به شدت می ترسید و روحیه بسیار ضعیفی داشت آماده کردن او به اقدامات قاطع آسان نبود. سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا و انگلیس سرورس انگلیس مشترکاً تصمیم گرفتند که با اشرف پهلوی ملاقات کنند و او را پیش شاه بفرستند. ملاقات میان اشرف و گویدون سجاوس انگلیسی- و همتای آمریکاییش در سوئیس انجام گرفت. اشرف سوم مرداد وارد تهران شد. بلافاصله به دیدن شاه رفت. اما موفق به تقویت روحی او نشد. روزولت تصمیم گرفت از ژنرال شوارتسکف که برای «جهانگردی» به ایران آمده بود استفاده کند. او پیش شاه رفت. ولی او هم موفق به جلب اطمینان شاه نشد و پس از ملاقات با شاه به روزولت گفت:

«کم، تو از طریق هیچ رابطی نمی توانی موضوع را با شاه حل کنی باید خودت او را ببینی...»

روزولت ادامه می دهد

«در واکنش ارباب ها از ملاقات ما (یعنی روزولت با شاه) می ترسیدند... اما فقط من و شاه می توانستیم سانه را حل کنیم.» ۹۹

در این وقت روزولت تصمیم به ملاقات با شاه می گیرد و نیمه شب ۱۰ مرداد ماه به یکشنبه ۱۱ مردادماه دزدانه به دیدار شاه می رود. ملاقات را یک جاسوس مشترک آمریکا و انگلیس که در دربار کاری کرده ترتیب می دهد. در این ملاقات روزولت برای جلب اعتماد شاه و تأکید این که از جانب آیتنهار و چرچیل نمایندگی دارد علامات رمزی به شاه می دهد و به او می گوید:

- ۹۴. پیامی دیوبنی مصدق خطاب به مردم ۵ مرداد ما ۱۳۳۲، روزنا مه کبکها ن همان روز.
- ۹۵. کریمت روزولت، اشریا دنده، صفحه ۱۶۴.
- ۹۶. همان جا.
- ۹۷. همان جا.
- ۹۸. همان جا.
- ۹۹. همان جا صفحه ۱۴۹.

«خود پرزبانت آیتنهار عبارات زیر را در یک سخنرانی که به زودی ۲۴ ساعت آیتنهد- در سانفرانسیسکو خواهد کرد، خواهد آورد... از طرف چرچیل هم امشب رادیویی بی سی تغییر در برنامه همیشگی خود داده و به جای این که بگوید الان نیمه شب است خواهد گفت الان (کمی مکث) دوست نیمه شب است.» ۱۰۰

به این ترتیب روزولت، جاسوس سپا، «فرمانده عملیات آژاکس» به عنوان نماینده چرچیل و آیتنهار وارد مذاکره با شاه می شود. در این نیمه شب دیگر هرگونه فاصله ای میان ظاهر اطو کیشته مقامات رسمی و دولتی امپریالیستی و جاسوسان حرفه ای از میان برداشته می شود و بی بی سی «بی طرف» علامت رمز سازمان جاسوسی را پیش می کند- چقدر ساده اند کسانی که گمان می کنند بی بی سی و نظایرش بی طرفند و با فلان رئیس جمهور آمریکا از نقشه کودتا خبر ندارند- روزولت بارها تأکید کرده است که ایدن و جان فوستر دالس (وزیر خارجه انگلیس و آمریکا) در تنظیم نقشه کودتا شرکت داشتند و جزئیات نقشه را بررسی و تصویب کرده اند.

باری در این ملاقات پیرامون عمل کرد هر چهار ستون حمله بحث می شود و چون مجلس در کار نیست، قرار می شود عزل مصدق به استناد فرمان شاه باشد و روزولت فرمان های شاه را خطاب به نخست وزیر و ارتش تهیه کند و بفرستد که شاه امضا کند و سپس به راسر برود. سایر نقاط کشور بنا به گفته روزولت برای شاه مساعد نبوده است.

در این ملاقات اسم رمز لقب جاسوسی شاه هم به او ابلاغ می شود. رمز او K.G.Savok. و لقبش «پیشاهنگ» است. ۱۰۱

روز چهاردهم مرداد آیتنهار سخنرانی را که قرار بود عبارت رمز خطاب به شاه هم در آن باشد ایراد کرد. در این نطق که برنامه اش قبل از پایان فرزندم تهیه شده بود آیتنهار فرزندم را بهانه کرد و گستاخانه گفت: «در ضمن اخبار ایران که در جریان صبح چاپ شده است البته خواننده اید که آقای دکتر مصدق بلاخره بر پارلمان قانع آمد و توانست خود را از مخالفت پارلمان خلاص و آسوده سازد. آقای دکتر مصدق البته در این اقدام خود از حزب کمونیست استفاده کرد و کمک گرفت.

به طوری که اشاره کرد تهدید کمونیست ها [!!!] نسبت به کشورهای آسیا اساساً برای آمریکا کشم و خطرناک است. آمریکا ناچار بایستی این راه را در هر جا باشد مسود کند و این کار دیر یا زود بایستی انجام گیرد.» ۱۰۲

روز ۲۰ مرداد ماه که نتایج فرزندم کل کشور اعلام شد شاه طبق قرار می که با روزولت داشت تهران را به سوی راسر ترک کرد. و از همان وقت اجرای مشخص کودتا آغاز شد. ابتدا قرار بر این بود که واحدهای گارد سلطنتی با حمله نظامی تهران را فتح کنند. افسران توده ای که در این واحدها بودند خبر تدارک کودتا را دادند و این خبر به اطلاع مصدق رسانیده شد و در مطبوعات حزبی درج گردید. ۱۰۳

اولی متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت. خائنین و قاتلینی نظیر بقایی که هنوز آزادند و با گردن شق راه می رفتند و روزنامه منتشر می کردند، طبق نقشه آژاکس مأمور بودند شایع کنند که گویا خود حزب توده ایران قصد کودتا دارد:

«توده ها قصد کودتا دارند و نظراتش از انتشار خبر کودتای جعلی انحراف افکار عمومی است [!!!] اخبار بسیار موق که به دست ما رسیده حاکی است که حزب توده در نظر دارد دست به یک کودتای کمونیستی بزند.» ۱۰۴

سرانجام کودتای واقعی اتفاق افتاد. نیمه شب ۲۵ مرداد سرهنگ نصیری فرمانده گارد با تانک و نیروی نظامی به نام این که فرمان عزل مصدق را ابلاغ می کند، به منزل مصدق یورش برد. ولی ناگام ماند. حزب توده ایران با اطلاعاتی که از قبل به مصدق داده بود و با شرکت فعال افسران توده ای کودتا را شکست. زحماتی که افسران توده ای در آن شب کشیدند و شگردهایی که برای رساندن خبر به کار بردند نشانه ای است از نفوذ عمیق مشی اتحاد حزب توده ایران در تک تک اعضای آن. توده ای ها به بهای جان خود می خواستند دولت مصدق را نجات دهند و نجات دادند. یادآوری کنیم که حزب توده ایران مخفی و تحت پی گرد بود. افسران توده ای به طور مضاعف تحت پی گرد بودند. چند تن از آنان که زمان مصدق دستگیر شدند همان شب ۲۵ مرداد در زندان فلک الاقلاک اسیر بودند و پس از ۲۸ مرداد برخی از آنان اعدام شدند. افسران توده ای در شب ۲۵ مرداد می بایست از حکومتی دفاع کنند- به بهای جان- که با حزب آن ها چنین رفتاری دارد. از سوی دیگر کودتایچیان اصلی، کودتا را کاملاً پنهانی تدارک می دیدند. افسر آمریکایی فرمانده کودتا، استونمن، اسرار را پیش خود حفظ می کرد. دستورات او تکه تکه و پنهانی بود. رابطه واحدهایی که می بایست در عملیات شرکت کنند از مدتی پیش با خارج قطع می شد. با این حال توده ای ها می بایست خبر را برسانند! چطور؟ سران قیامی افسر توده ای می نویسد:

«قبل از ۲۵ مرداد در باغ شاه بودم. اطلاع یافتم که سرهنگ دادستان به فرماندهی یادگان منصوب شده و چند تانک در اختیارش گذارده اند. بلافاصله بخش نامه همراهی رسید که افسران و افراد حق ندارند از سرباز خانه خارج شوند. راهی برای تماس نبود. ناچار به چند عضو سازمان جوانان که حوالی در باغ شاه بودند خبر دادم که امشب کودت می شود...»

نصیری دستور حرکت به خانه مصدق را داد. از وقت و بردن واحد مربوط خودداری کردم. پس از رفتن آن ها به مصدق تلفن زدم.» ۱۰۵

سرگرد خیر خواه افسر گارد شاهنشاهی و عضو فعال حزب توده ایران می نویسد:

«روزهای قبل از ۲۵ مرداد دستور بود که از مطاباد خارج نشویم. روز ۲۴ مرداد عدم خروج افسران و سربازان مورد تأکید قرار گرفت. نزدیک غروب نصیری جلوس آسایشگاه گارد جاویدان آمد دستور داد که در تمام شب معجز و آماده انجام مأموریت باشند... به علت عدم امکان خروج از کاخ خبر دادن به سازمان حزب ممنوع نبود. رفتاری که با من در ارتباط بودند هیچ کدام تلفن نداشتند.

اجباراً خود را به خطر انداختم و به سرگرد فولادوند که طرفدار مصدق بود و با نزدیکان او ارتباط داشت خبر دادم. او مره بود تلفن

داشت. به علاوه به عنوان رئیس ستاد به تلفن دختر نصیری هم دسترسی داشت... سرانجام به منزل مهندس فریدون تلفن کردم. کسی را نتوانستم که با من حرف بزند. یادداشتی دادم برد.

حدود ساعت ۲۱ نصیری آمد. فرمان عزل شاه را خواند و دستور حرکت داد. مرا به ویلائی فرستادند و گفتند کسی خواهد آمد. گمان می کردم زاهدی است و من توانم دستگیرش کنم. اما کودتا شکست خورد و کسی نیامد. ۱۰۶»

خبرهایی که با چنین زحمتی می رسید، در شرایط دشوار مخفی دست به دست می شد تا به رهبری حزب می رسید. ولی به هر صورت خبر کودتا از طریق سایر افسران به موقع به رهبری حزب هم رسید. رفیق کیانوری به مصدق تلفن کرد و علاوه بر خبر، پیشنهاد مشخص کمک داد. به رئیس ستاد ارتش تلفن کرد و او را از خواب بیدار کرد و به ستاد ارتش فرستاد.

رفیق کیانوری در خاطراتش این طور می نویسد:

«۱۸ روز ۱۸ مرداد حزب توده ایران هشدار داد که جبهه متحدی از سر برترین دشمنان ملت به وجود آمده و دربار و سفارت آمریکا هرگز توطئه ای است که هدفش برانداختن دولت است.

حزب ما در میان نظامیان هوادار رژیم شاه که مأمور تدارک کودتا بودند هوادارانی داشت و از طریق آنها اطلاعاتی به دست می آورد. روزی یکم مرداد ماه به اطلاع رسید که مقدمات اجرای کودتا در شکر گارد و سایر واحدهای هوادار اطمینان شاه فراهم شده و در انتظار تهیه ساعت عمل می باشند. این اطلاع را سرهنگ مشیری در ساعت های نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد. از همان منزل کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای این که اطمینان او را به درستی مبله خبر مطمئن سازیم، همسر من که بستگی و آشنایی با دکتر مصدق و خانم دکتر مصدق داشت به اندرون تلفن کرد و خانم را خواست و به وسیله خانم دکتر مصدق، دکتر را پای تلفن خواستم. این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردم.»

روز بیست و سوم مرداد باز هم حزب ما در شرایط صبح خود خطر کودتای قریب الوقوع را متشخص ساخت. روز بیست و سوم بعد از ظهر بازم سرهنگ مشیری به منزل من آمد. و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله گارد گذاشته شده است و ضمناً اسامی برخی افسران بالا رتبه ای را که گرداننده کودتا بودند با خود آورد. در میان این اسامی نام سررتیب دفتری بود که خواهر زاده دکتر مصدق و مورد اطمینان او بود و از طرف او به ریاست شهرتانی کل کشور منصوب شده بود.

من در ساعت ساعت باز از ره اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم:

«آقای دکتر توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کارشما هم جا گرفته اند. نام کودتاگران چنین است... سررتیب دفتری که شما به او اعتماد دارید با آنان ارتباط دارید. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش که در دست های فرماندهی هستند عرضه و لیاقت هیچ اقلی را ندارند. ما حواس بسیار با ارتش و فداکاری در میان افسران داریم که بست های حواس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع از خانه خودتان و برابری بست های مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه می شود جلوی خطر را گرفت.»

دکتر مصدق سپس گزارشی کرد ولی گفت:

نگرانی شما پیش از اندازه است. آن ها کاری از پیش نخواهند برد. من به سررتیب دفتری اعتماد کامل دارم. او به من خیانت نخواهد کرد. اگر باز هم چیزی پیدا کردید از همین راه مرا مطلع سازید.

بر اثر این اطلاع، روز بیست و سوم کودتا قطع ماند. کودتایچیان نیم ساعت پس از نیمه شب با پرتاب موشک سفید به واحدهای کودتایچیان انصراف از کودتا را اطلاع دادند.

برای حزب ما در آن روزها مسأله کودتای نظامی شبانه مطرح بود. برای این که مخالف گیر نشویم به واحدهای حزبی دستور داده شده بود که در پشت بام خانه هایی که بر سر راه های حرکت واحدهای نظامی به تهران قرار دارند بست های شبانه بگذارند و رفتاری حزبی با طشت و شیشه و همه وسایل خبر کردن و بیدار کردن مردم معجز باشند تا در صورت مشاهده واحدهای نظامی، مردم را بیدار کنند و خود به خیابان ها بریزند و مردم را به مقابله با کودتا دعوت کنند.

کودتایچیان که فاش شدن توطئه روز ۲۳ مرداد ماه را همیشه بودند روز ۲۴ مردادماه دو ساعت قبل از عمل به واحدهای خود شروع عملیات را اطلاع دادند. ساعت ۱۰ شب روز ۲۴ مرداد ماه سرهنگ دوم مشیری به منزل من آمد و خبر آورد که همان شب ساعت ۱۲ عملیات شروع خواهد شد. من قریب از همان راه به دکتر مصدق اطلاع دادم و با مصابیت به او گفتم که حرف ما را باور نکرده اند این هم نتیجه اش. او البته با لمن دوستانه تر سپس گزارشی کرد. من باز هم همه پیشنهادت شب پیش را به او تکرار کردم و از او خواش کردم مواظت کند ما چند نفر از دوستان خود را برای حفاظت خانه او بفرستیم. او باز هم از پذیرش این پیشنهاد سر باز زد. من به او پیشنهاد کردم آقای دکتر لازم است فرد مبارزی را به ریاست ستاد ارتش بگذارید. او نپذیرفت.

با کمک سرهنگ مشیری کوشش کردم سررتیب ریاسی رئیس ستاد را پیدا کنیم و او را از جریان آگاه سازیم. فکر می کردم که او در این لحظات حساس در ستاد ارتش است. ولی با تعجب گیج کننده ای معلوم شد که جناب تیمسار در منزل خود در شیراز استراحت می کند. از او خواستیم که بلافاصله به شهر حرکت کند. و همین امر باعث شد که او از نظر بازداشتش که همان شب از طرف کودتایچیان انجام گرفته بود بجهد.

کودتایچیان از ساعت ۱۱ شب دست به کار شدند. دکتر حسین قاطبی وزیر خارجه، مهندس خلق شناس وزیر راه و مهندس غلامحسین زیرک زاده را بازداشت کردند و به سعناباد بردند. همکاران کودتایچیان همه تلفن های ستاد ارتش را بریده بودند.

ما از طرف دیگر توانستیم به ستوان شجاعان که خود در میان کودتایچیان بود دستور دهیم که مراسم کنندگان به خانه دکتر مصدق را که مأمور ابلاغ عزل دکتر مصدق از نخست وزیری و باز داشت او بودند بازداشت کنند. یک بار دیگر توطئه کودتا تنها به کمک حزب توده ایران ختم ماند. ۱۰۷

افسران محافظ منزل دکتر مصدق نیز در خاطراتی که پس از انقلاب منتشر کرده اند به این حقایق اعتراف کرده و نوشته اند:

«قرار بود، طبق نقشه کودتا، مقارن با حرکت سرهنگ نصیری به طرف منزل مصدق برای ابلاغ فرمان عزل نخست وزیری واحدهایی نیز... با همان گروهان مستقر در جلو کاخ هر یک برنامه ای اجرا کنند.

۱۰۶. از خاطرات منتشر نشده سرگرد دخبرخواه.

۱۰۷. شورا لندین کیا نوری، حزب توده، ایران و دکتر محمد مصدق. انتشارات حزب توده، ایران، تهران، ۱۳۵۹، صفحه ۳۶

در جلسه علنی دیروز مجلس:

اعتبارنامه اسحق فرهمندپور بعلت عضویت در سازمانهای صهیونیستی و رابطه با دربار شد



نماینده کرمان: نیروی مردم باید در همه ابعاد بسیج شود.

نماینده شیراز: ما خواهان ارتشی نیستیم که ژاندارم امپریالیسم در منطقه باشند.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که بریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، محمدعلی موحدی نماینده کرمان و اولین نامزد پیش از دستور، با اشاره به نامه نمایندگان کنگره آمریکا و سفرای چند کشور اروپایی که ریکارانه اظهار دوستی کرده و خواهان آزادی گروه‌ها شده‌اند، گفت: «اینها اگر دسترسی پیدا کنند به شما، هیچ جتی برای شما باقی نمی‌گذارد. دلی مملو از عناد و دشمنی با شما دارند. توطئه‌ها می‌کنند. کودتاها در مقام تصمیم دارند. تبلیغات مسموم راه می‌اندازند. دانشجویان شمارا در همان زمانیکه (بظاهر) طرح ملازمت و ملازمت دارند، شکنجه و زجر می‌دهند. نامه ولو از نمایندگان کنگره است، ولی دنیا و ما می‌دانیم نامه دیده شده کافر است. در برابر این نامه چه موضعی دارید؟ مجلس شورای اسلامی که باید حافظ انقلاب و به‌تمرسانان دستاوردهای انقلاب و مایه امید مردم باشد، چه موضعی دارد؟ موضع مجلس شورای اسلامی در برابر عناصر خان توطئه‌گر و ستارگ و خونخواری که نه‌عهدی را مراعات می‌کند (امریکا) و نه حتی به قوانینی که خود وضع کرده است، برای فریب مردم ستم‌دیده، حتی به آن هم عمل نمی‌کند، چیست؟ آنچه که من از جو این مجلس درک می‌کنم، اینست که، بیخود خود را معطل نکنند.

خلاصه اگر ما موضع انقلابی خود را، در حدی که امام انتظار دارد، ضبط کردیم، برای تمام انقلاب ضامن وجود دارد و اگر قرار باشد هر لحظه به تناسبی از موضع خودمان عقب‌نشینی نکنیم، بطور مسلم دچار شکست خواهیم شد.

وی سپس گفت: «با توجه به جنایات آمریکا، که احتیاج به تذکر نیست، توطئه‌های و توطئه کودتا و... من پیشنهاد می‌کنم ستاد بسیج ملی این ملت را سریعاً برای کربلای کربلای مبارزه آماده کند. ملتی که شهادت را با غشوش باز استقبال می‌کند. حداقل مایک‌میلون تعلیم دیده در تهران داشته باشیم که در مواقع خاصی، اگر لازم شود، فوراً آثار را جمع کند و مسلح کند و به مواضع لازم اعزام نماید. این حرکت بسیج ملی بنظر من بظنی و کند انجام می‌گیرد. انتظار داریم این کار را سریع انجام بدهد در تهران و همچنین در شهرستانها.

وی آنگاه درباره نیروی مردم و استفاده از آن گفت: «در همه ابعاد انقلاب نیروی مردم باید بسیج شود. در ابعاد فرهنگی نظامی، سیاسی و... این مردم باید بسیج شوند. این برنامه باید اجرا شود و جای درنگ نیست.

نطق بعدی، یونس محمدری، نماینده خرمشهر، پس از استناد به آیه قرآن «لم یقولوا لایقولون» (چرا چیزی را می‌گویند که عمل نمی‌کنند) گفت:

«ما در آستانه تشکیل دولت جمهوری اسلامی هستیم. در گذشته دولت‌ها مسئولین فقط وعده می‌دادند و وعده‌ها را عمل نکردند باعث بی‌اعتمادی مردم به مسئولین می‌شود. مسئولین امر در نظام جمهوری اسلامی باید عمل کنند. باید همیشه با مردم در تماس باشند. اطلاعاتشان را از مردم بگیرند و به آنها گزارش بدهند. اگر این کارها نباشد، مردم از طریق شایعه اخبار را می‌گیرند. مسئولین امر باید به مردم گزارش بدهند، آنان را در مساجد و جاهای دیگر جمع کنند و مسائل را با آنان در میان بگذارند.»

وی سپس به مسائل حوزه انتخابیه‌اش خرمشهر اشاره کرد و گفت: «خرمشهر یک شهر مرزی و بسیار حساس است. در آنجا باید سپاه پاسداران از نظر وسایل مجهز و تأمین شود. متأسفانه اولیای امور کم توجه می‌کنند. این ارگان انقلابی را، همچنانکه آیت‌الله منتظری فرمودند، باید با تجهیزات سنگین آشنا کنند و در اختیارشان بگذارند.» وی سپس در اشاره به مشکل کشاورزان گفت: «واسطه‌ها خرما را از دهقانان ارزان می‌خرند و گران می‌فروشند و این باعث گرانی می‌شود. از وزارت کشاورزی می‌خواهم دولت مصوب کشاورزان را بفرزد و آنان را تشویق کند، نه اینکه دست‌واسطه‌ها بپزند.»

وی سپس گفت: «پاکسازی نه تنها در ادارات، بلکه در بازار هم لازم است. این محکرمین که مایحتاج مردم را در انبارها نگه می‌دارند این چیزهایی که هر روز توسط کتیبیا به بندر آورده می‌شود، به کجا می‌رود؟ به انبارهای محکرمین. بصورتیکه جیبایشان پر شود. باید هر چه سریعتر باین مسائل رسیدگی شود.»

وی از دولت خواست که بوضع انبارهای متروکه کمک و کالاهای موجود در آن رسیدگی کند و مانع از نابودی آنها شود.

سخنران بعدی، اسدالله عالی‌پور، از ایلام بود، که درباره وضع

آموزش و پرورش ایلام توضیحاتی داد. وی مدتی از وقتش را به زنگنه نماینده تبریز داد. زنگنه ضمن سخنانی قاطع و قوت‌ارزش را برشمرد. وی از جمله گفت:

«یکی از تغییرات مثبت تغییر جهت و فلسفه وجودی ارتش است. قبلاً ارتش برای حفظ نظام شاهنشاهی و منافع امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا، در منطقه بود. بودجه غول‌آسای ارتش تقبیل یافت به حداقل ممکن. بعلت آنکه ما خواهان ارتشی نیستیم که ژاندارم امپریالیسم در منطقه باشد.»

وی سپس درباره نقاط منفی گفت:

«۱- تیمساریز شدن و تیمسار زدگی که ناشی از تخصص زدگی و خودباختگی در برابر ارتشها و معیارهای غرب است. تخصص محفوظ، ولی ایمان و تقوا مقدم است. ۲- بر اثر همین تیمسار زدگی باید با زبانه وجود داشته و دارد. مساله دیگر جلوگیری از رشد نیروهای انقلابی مسلمان، عدم اجرای تصفیه جدی و کافی در صفوف بالای ارتش و عودت دادن امداد اطلاعاتی تصفیه شده و اعمال نظر در تصفیه و ماندن عده‌ای از ساواکیها در ارتش، و مساله دیگر عدم تصفیه سیستم کل ارتش است.»

آخرین نطق پیش از دستور، صدر حاج‌سیدجوادی، نماینده قزوین بود. وی پس از توضیحاتی درباره صدمات ناشی از سیل به مردم و کشاورزان قزوین، گفت:

«اگر تا ۳-۴ روز دیگر ماشین‌آلات و وسایل دولتی نرسد، بعلت نرسیدن آب کشتزارهای ناحیه وسیعی از قزوین خشک خواهد شد.»

وی آنگاه ضمن پیشنهاد تشکیل هیئتی جهت رسیدگی به مسوانع و حوادث کوشه و کنار کشور، سئوالی را که از وزارت کشور کرده بود، تقدیم ریاست مجلس کرد.

پس از سخنان پیش از دستور، اعتبارنامه فخرالدین رحیمی، نماینده ملایری لرستان، بدون مخالفت مورد تصویب قرار گرفت. آنگاه مخبر کمیسیون تحقیق اعلام کرد که اعتبارنامه اسحق فرهمندپور، نماینده کلیان ایران، با ۱۵ رای مخالف و یک رای ممتنع در آن کمیسیون رد شده است. دلایل رد اعتبارنامه اسحق فرهمندپور بشرح زیر است:

۱- قدسی و ارتباط با دربار پهلوی. وی از تاریخ ۱۳۴۶ به دفتر غلامرضا پهلوی برای تدریس به بهمن پهلوی، پسر وی، معرفی شده است.

۲- فعالیت و همکاری با موسسه او. ت. ث. O.A.T سازمان تادیب از طریق کارآموزی حرفه‌ای. این سازمان یک موسسه بین‌المللی است، که مرکز آن در ژنو است و با سازمانهای مختلف صهیونیستی، از جمله آژانس جهانی اسرائیل، شورای بین‌المللی خدمات یهودیان، انجمن کلنی‌سازی یهودیان و... ارتباط دارد.

۳- موضع‌گیریهای سیاسی فرهمندپور در مورد گروه‌های گوناگون جنایات آمریکا و نیز اعتراض به اعدام دانیال پور، جاسوس معروف اسرائیل و عضو سازمان زیتون (شاخه سازمان جاسوسی موساد در ایران)

دکتر زیدی، مخبر کمیسیون تحقیق، در توضیح بیشتر علل رد اعتبارنامه گفت:

«دولت آمریکا کمکهای خود را از طریق «ای. آی. دی» به سازمان «او. آ. ت. ث. می‌داد...»

حجت‌الاسلام خلغالی، به‌عنوان مخالف با اعتبارنامه اسحق فرهمندپور و ضمن تأکید بر اینکه مجلس هیچ سبب‌مندی با یهودیان ندارد، گفت:

«در مورد آلبرت دانیال پور، که فرهمندپور با اتمامش مخالفت می‌کرد، باید بگویم که وی از جاسوسان درجه اول صهیونیسم و اسرائیل بوده است و حتی پروتوکراییکی رئیس‌جمهور اریلی برای نجات دانیال پور به ایران آمد و تلاش‌هایی کرد...»

وی افزود: «جامعه روشنفکران یهودی‌نامه‌های زیادی برای کمیسیون تحقیق فرستادند و نوشتند که ایشان یک صیونست وابسته به صهیونیسم بین‌المللی است و چند مرتبه به اسرائیل، یعنی پایگاه تجاوزات ایالات متحده آمریکا سفر کرده است... من اعتقاد دارم که وی صلاحیت نمایندگی جامعه یهودیان ایران را ندارد...»

افضاری، مخالف بعدی اعتبارنامه فرهمندپور، گفت: «اسرائیل امروز سرریزه آمریکا در خاورمیانه است و برای مجلس شورای اسلامی بسیار زشت است که عوامل این سرریزه آمریکا در ایران تاکنون وجود داشته باشند.»

پس از آن فرهمندپور در دفاع از خود سخن گفت. سپس در مورد اعتبارنامه وی رای گیری بعمل آمد. در نتیجه رای گیری، اعتبارنامه وی با ۲۰ رای مخالف و ۳۶ رای موافق و ۸۹ رای ممتنع رد شد.

جلسه دیروز مجلس، ساعت ۱۲:۴۰ پایان یافت، و اعلام شد که جلسه بعدی روز سمنشنبه ساعت ۹ صبح خواهد شد.

در حاشیه مجلس

علیه فرهمندپور، به مجلس فرستاده بودند، گفت: «جامعه روشنفکران یهودی بر علیه صیونسم و آمریکا مبارزه می‌کردند و می‌کنند و پدر «آیت‌الله طالقانی» قید هم بر کار ایشان نظارت داشتند و پس از فوت پدر هم مراسم برگزار کردند و من در یکی از جلسات آنها شرکت کرده‌ام.»

فرهمندپور پاسخ داد: «جامعه روشنفکران یهودی پنج هزار فحش با آمریکا داده‌اند. خوب است، هزار فحش به صیونسم داده‌اند خوب است. ولی یک فحش هم در روزنامه‌شان به «روسیه» نمی‌دهند!»

یکی از نمایندگان از او خواست که صریحاً دشمنی خود را با صیونسم و آمریکا بیان کند. او گفت:

«دو صد مرگ بر آمریکا، دو صد مرگ بر اسرائیل، پنج صد مرگ بر روسیه!»

مگر آمریکا جنایت کرده؟! اسحق فرهمندپور، که اعتبارنامه‌اش رد شد، در مساجد و اجتماعات، درباره جنایات آمریکا و گروه‌ها گفته بود:

من هنوز در عمق تمام جنایاتی که آمریکا در ایران انجام داده نیست... بطور دقیق نمی‌توانم بگویم چه جنایاتی کرده! معلم خوب!

فرهمندپور، که ۹ ماه به‌سرس غلامرضا درس می‌داده است، در توجیه علنی گفت:

«ای کاشی شاه» هم معلمین خوبی داشت، که مانع از جنایات او می‌شدند!»

قابل توجه کسانی که به «روسیه» فحش میدهند اعظم طالقانی درباره مایهت جامعه روشنفکران یهودی، که مدارکی

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر بار نجات داد

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در هشتر طوائش: با هوشیاری، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنیم

هشتریان عزیز، مردم مبارز هشتر! همانطور که خبر دارید نیمه شب ۲۱ مرداد ۱۳۵۹، عده‌ای از عناصر مشکوک و ناآگاه، به تحریک افراد غیر مسئول به کیوسک نشریات نیروهای شرقی و انقلابی، از جمله حزب توده ایران، یورش بردند و پس از شکستن، به قتل آنها پرداختند. عناصر ضد انقلابی که در بین این گروه خود را جا زده بودند، ظاهراً موفق شدند بالاخره پس از گذشت یکسال و نیم از انقلاب شکوهمند مردم ایران، آرامش شهر هشتر را بهم زدند تا شاید بتوانند از این رهگذرینفع خود را از امپریالیسم چائیکار آمریکا، که در این روزها همه‌جانبه در حسد تدارک توطئه علیه انقلاب ایران است، بهره‌برگیرند. ولی خوشبختانه با هوشیاری‌های که نیروهای چپ‌راستین از خود نشان دادند، نقشه‌های شوم و تبهکارانه ضد انقلاب نقش بر آب شد و ضد انقلاب توانست فقط چند لحظه‌ای آرامش شهر را بهم زند، که آنهم خوشبختانه با اظهار نفرت شما مردم آگاه هشتر روبرو گشت.

چنانکه قبل از این نیز مکرراً اعلام داشتیم، اینگونه اعمال از جانب هر کس و با هر نیتی که باشند، فقط و فقط یسود ضد انقلاب و راهکنش تصادف است. قانون مداخله بین‌المللی در حکومت کن، از قوانین قدیمی و شناخته شده امپریالیسم جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا است.

چه کسانی در کار هیئت ۷ نفری کارشکنی میکنند؟

مدتها پیش، مردم مبارز هشتر از تشکیل هیئت ۷ نفری تقسیم زمین، در اجرای فرمان رهبر انقلاب، ام‌خفتی، و لایحه مصوبه شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مطلع شدند. این خبر که آزادی زحمتکشان روستا را از یوغ بردگی اربابان زمین‌دار و زالوصفت نوید میداد، مورد استقبال بی‌سابقه‌ای قرار گرفته و در هشتر و روستا به‌وسواس رفت و آمد خود را برای استقبال کردند. اما با کمال تأسف خردار شدیم که بعلت کارشکنی بعضی از عوامل، هیئت با مدرس روبرو شده و نماینده

ضد انقلاب را در هر شکلی که ظاهر شود باید سرکوب کرد!

طبق اخبار رسیده ضد انقلابیون مسلح در منطقه گوزان، با استفاده از اهان‌کاری مشولین در رفع احتیاجات مردم به تبلیغات ضد انقلابی خود انزودمانند:

آنان با دادن مواد مورد احتیاج مردم از قبیل تاید، روغن و غیره علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کردند روستائیان را. به‌قیام علیه آن تشویق می‌کنند.

باین عمل ضد انقلاب هر کار فعالیت‌های تخریبی و تروریستی آورد سراسر منطقه، ایجاد وسیع توطئه و تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد مشولین اجرایی باید از یکسو با مقابله‌قاطع با افعال تخریبی و تروریستی این مزدوران، دستگیری و مجازات آنها و از سوی دیگر بابر آوردن احتیاجات بحق مردم زحمتکش زمینه هرگونه توطئه علیه انقلاب را از بین ببرند و نگذارند که ضد انقلاب با استفاده از تشدید غرضایی توده‌ها، انقلاب را زیر ضربه بگیرد. تأمین رفاه و حیثانکه امام جمعه تهران نیز خطب نشان ساخته است یکی از وظایف اصلی دولتی است که هم‌اکنون تشکیل میشود.

نامه مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر یزادی
خیابان نوری، آخر شماره ۸۸
(دفتر نامه مردم، فعلاً در اشغال عناصر غیر مسئول است)
NAMEH MARDOM
No. 310
18 August 1980
Price:
West-Germany 0,80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 50 Cts.
Sweden 1-50 Skr.